

نویسد

شماره ۷ - مرداد ماه ۱۳۰۶

(وابسته به حزب توده ایران)

پیرامین سرخس

مسائل کارگری

پس از وقفه کوتاهی که بواسطه برخی فعل و انفعالات و تصمیم‌گیری‌های نادرست کارگری تازه در وزارت کار، همراه سایر دو شعبه‌نشینان فئودالیستی و اختیارات برصطیکه ارگوری، ولزوم ارزانی سرابط تازه به وظیفه‌افتن بهترین شیوه‌های مبارزه در جنبش‌توان‌گستر کارگری ایران پیش آمد، امواج تازه اعتراض و اعتصاب واحد‌های صنعتی کشور را در پی خود برد. بدینال ده‌ها و ده‌ها اعتصاب - بزرگ و کوچک کارگری در سال گذشته طیبرم مجرم و سرکوب وحشیانه مأموران جنایتکار رژیم پهلوی از آنها به‌میریزی - رسید. رژیم مجد کارگری ماه گذشته باگما شتن ضوچه‌آزمین این مأمور شناخته‌شده ساواک در رأس وزارت کار و طرح پلرشته‌تد ابهر خشن و تند انبساطی را مجریان سر توان و اوج گیر جنبش اعتصابی مطالباتی کارگران را سد کند. از جمله این تد ابهر و معدود کردن ظاسبات و تماس‌های کارگری در هر واحد صنایع تا آنجا که در برخی از کارخانه‌ها بین کارگرانی که بر روی ماشین‌های مختلف در یک سالن در زیر یک سقف کار می‌کردند حصارطوری کشیدند و برای جلوگیری از تماس آنها مأموران ویژه گاردند و سلحبات فذای کارگران بخشهای مختلفوا از هم جدا کردند تا از هرگونه تماس آنها جلوگیری کنند. ایجاد گارد حفاظتی در هر کارخانه به منظور سرکوب فوری هر گونه حرکت اعتراضی و اعتصابی و تشدید فشار و خضوت نسبت به کارگران را میتوان نامرد.

اما تصمیمات نادر کارگری در همینجا متوقف نماند. از اواسط نیمه دوم سال گذشته جلسات ضد ملی از کارفرمایان در وزارت کار با حضور ضوچه‌آزمین پهلوی تا تد ابهری خشن‌تری علیه جنبش مطالباتی

بقیه در صفحه ۱۱

نوظلم‌های ضد کارگری در رابطه با بحران برق

رسوائی برق و حقایق پشت پرده

رسوائی برق که هرروز ابعاد فاجعه‌آمیز آن گسترده‌تر میشود، برای رژیم پوطحا و از رگ و ریشه ناسدی که چون باد بک خود را با باد تله‌فونات و یابسرائی‌ها انباشته است، نه تنها یک ورشکستگی سیاسی بلکه فراتر از آن یک ورشکستگی کامل ایدئولوژیک است.

کلا چهارراه احترام بردارید. به دروازه تمدن بزرگ آریامهری رسید ما هم !!
بقیه در صفحه ۷

نامه‌های اعتراضی و خواست‌های ملی

هر صدای اعتراضی تازه‌ای که بگوش میرسد نشانه طغیان و بیثباتی قوتها و گروه‌های - جدیدی است که بعد یوار اختناق ضت میکنند ناراضیان روز به روز بیشتر میشوند، پایگاه‌های رژیم تنگ تر می‌گردد و فریاد‌های صیوان اوج و تهاجم بیشتری می‌یابد. رژیم دیکتاتوری مستکی به سر نیزه و شکنجه و زندان، چهار سردرگی و نگرانی شده است و در برابر موج‌های رو به خیز و بیاسی خواست‌های ملی که در راستای آنها مطالبه آزادی‌های فردی و جمعی، احیای قانون اساسی و بازگشت شروط و بن‌زنجیر انداختن گره خون آشام ساواک، قرار دارد، تن به عقب‌نشینی‌هایی می‌دهد. ضرورت تشکیل هیئت‌های هوشیاری و شکستن حصارهای ترس و وحشتی که سازمان جنبش اذیت‌شاه سالها آن را پاسداری کرده است و بیش از هر وقت دیگر احساس میشود.

در این اوضاع و احوال ناهه‌های سرکش اعتراضی روشنفکران و ناراضیان که قلب بخشی از حائب ملی و تحصیل‌ستوری را که بر مردم - مبرود افشاء میکنند، چون ورق‌های زرد دستبه دست می‌گردند.

بدینال ناهه‌های بر سر و صدای دیگر علی‌اصغر حاج سید جوانی و دیگر کسری مهدی بهار که سند محکومیت ورشکستگی رژیم ضد خلقی شاه را به ملت ایران عرضه نموده‌اند، این روزها ناهه‌ها و افلا می‌های بسیاری از جانب جمعیتها و افراد سرشناس و معترفین برخاسته و منتشر میشود. از این جبهه است بیانیه افشاکری که با امضای ۶۴ تن از قبات وکلای دادگستری ایران منتشر شده که ضمن اعتراض به لوایح شفرموده جدید دادگستری که بر خلاف اصل صریح قانون اساسی، قوه قضائیه را به زیر یوغ قسوه مجریه میکند، استقلال و اعتبار دوباره قوه قضائیه را خواستار شده‌اند.

شخصیت‌های معتبر قضائی ایران در این بیانیه، خود را برای احیای نهاد استقلال و حرمت و اعتبار قضائی و - انحلال مراجع اختصاصی نادرسی ارتش باناگید بسیار طرم و متعهد میدانند. وکلای آزادخواهان دادگستری نوشته‌اند:

بقیه در صفحه ۲

نامهای اعتراضی...

"باید قوه مقننه با انجام انتخابات واقعا آزاد و فارغ از بیم و ترس از قید سلطه قوه مجریه خارج شود... و حقوق و آزادیهای ملت ایران، به ویژه آزادی بیان و علم و اجتماعات به معنی واقعی محترم شمرده شود."

و کلا وکالت دادگستری تصریح گردماند؛

"قوه مجریه باید اعمال اختیارات خود را در حدود اصول قانون اساسی اعمال کند و خود را در برابر قوه مقننه و قوه قضائیه مسئول و جوابگو بداند."

نهضت رادیکال ایران نیز در این اعلامیهای که تاریخ ۳۰ تیرماه منتشر کرده، ضمن بررسی حرکات و تظاهرات ملی در ماههای اخیر برای اعاده قانون آزادی و خواستههای خود را شرح زیر کلاسه کرده است:

۱- آزادی کامل اجتماعات و مطبوعات، لغو سانسور و تعصم حقوق اجتماعی و سیاسی ملت پر دستگامهای خبری دولت از جمله رادیو و تلویزیون.

۲- انحلال مجلسین و تدارک انجام انتخابات آزاد و قانونی و انصراف از حزب واحد.

۳- تأمین استقلال قوه قضائیه بر اساس موازین قانون اساسی.

۴- آزادی زندانیان و تمهیدبهای سیاسی و اعاده حیثیت از آنها...

نامههای بسیار دیگری نیز برای روال منتشر شده است که از این مجموعه قسمتهایی از نامههای احمد صدر، با دستهای سابق تهران و وکیل دادگستری، دکتر سنجابی، داریوش- فروهر، دکتر بختیار (از رهبران جبهه ملی)، سرمنگهباز- نشسته امیر رحیمی و نیز نامه سرگشاده گانین نویسندگان ایران به اطمینان. تن از نویسندگان و شعرا و مترجمان کشور که معتبرترین نمایندگان هنر و ادب امروز ایران اند، بر صفحات ۷ تا ۷۷ همین شماره "نود" چاپ شده است.

پنجشنبه های مردم

صبح يك روز تابستانی . تاكسی پشت چراغ قرمز می ایستد
راننده تاكسی چشمش به يك مرد ای زلفی و راننده آن كه
يك ظلیینی است می افتد :

راننده : فلان فلان شده ها پول این مملکت را میگیرند و
عشق میکنند و به رخها مردم میخندند .

سافرا : چه گویم ! ما راننده های بیبانی از دست این
خارجی ها در عذاب هستیم . راننده های خارجی
ماهی ۸ هزار تومان میگیرند و تازه تمام مخارج مثل
راهم به آنها میدهند و آنها فقط رانندگی می
کنند ، اما ما که تصدیق يك راهم ماهی هزار -
تومان میگیریم و خرجمان پای خودمان است -
مکانیکی ماشین هم با خودمان .

سافرا : تازه يك چیز داریم از ما طلبکارند . آقا من راننده
شهر دارم . ماهیكه حقوقم را میافزاید مانند اما
مهندس می گیریم ماست اما حقوق من و رفقای
ما بالا کشیده و ما هم کاری از دستمان برنی آید
مخصوصا میخواهند که ما هم دنبال رشوه و کارهای
آنچنانی برویم چون که دشمن میخواهد مردم -
سرشان به يك کاری گرم باشد .

سافرا : آقا از این حرفها نزنید برایتان بد میشود .

سافرا : بالاتر از سماعی که رنگی نیست . روزگار ما هم که از
سیاه سیاهتر است .

سافرا : تصویر خودمان است . ما با هم متحد نیستیم و هر
کاری کردند هیچی نمیگوئیم . باید دست بکاری
بزنیم . (سانسور) مگر خود نامه نگارهای گرفتار
حقان میتوانند انتصاب بکنند ! حالا ما هم باید -
انتصاب کنیم ، نه اینکه فقط حرف بزنیم .

سافرا : ای آقا ! (پاشد ای آخته) این شرکتهای حمل
ونقل و تمام شرکت های بزرگ مال شاه و برادر و
خواهرش است . هیچکس جرأت حرف زدن ندارد

سافرا : من باید ده روز در بندر توی نوبت بخوابم تا با
به من بدهند اما ماشینهای شاه و غلاماناکه از
راه میروند فورا بازگیری میکنند . عجب مملکتی
است .

راننده : آقا به خدا تصویر خودمان است . نباید بگفد ارم
این طور باشد !

سافرا : تصویر همه است . باید با هم یکی باشیم و نترسیم .
(بحث گرم است اما تاكسی به مقصد رسیده و باید بنیاد شد)

دشمن مردم حیلگر و قسی و پشیمانان جهانی
آن آرزند و زور ضدند . تنها بازوهای متحد همه
مخالفتان رژیم میتوانند چنین دشمنی را در هم
شکند . تفرقه نیروهای مخالف رژیم ارتجاعی
بهترین "ارصقان" به این رژیم است . در راه
وحدت عمل همه نیروها و عناصر مردم
رژیم از هیچ گوشه و سرزمینی دریغ نکنیم

مرگ مشکوک یک آزادیخواه

مرگ نامنتظره دکتر علی شریعتی، جامعه شناس معروف اسلامی و مبارز آزادیخواه و استاد دانشگاه، موجب از خشم و انزجار راهبیه رژیم سفاک و خون آشام شاه - ساواک برانگیخت. دکتر شریعتی حدود بیست روز قبل از مرگش با گروهی که تنها نام "منبانی" (دنباله نام فاضلی) را داشت موسس شده بود ساواک را بفریید و از کشور خارج نمود. وقتی ساواک به این امر پی برد به شدت خشمگین شد و یکی دو هفته بعد که عصر و دختران شریعتی صخواستند به شوهر و بدر خود - بپیوندند از خروج عصر او از کشور جلوگیری کرد. این امر خود با توجه به مشارکت و همکاری پلیس درنده شاه با پلیس انگلیس شایعه دست داشتن ساواک را در مرگ نامنتظره - دکتر شریعتی دامن زده است، بویژه که دکتر شریعتی یکی از مخالفان فعال رژیم استبدادی شاه بود و در میان صلحانان شرقی و روشنفکران آزادیخواه عواداران بسیار داشت و همین چندی پیش پس از مدت‌ها اسارت در شکنجهگاه‌های شاه آزاد شده بود.

بدنبال انتشار خبر شهادت علی شریعتی موجب از - تظاهرات گسترده و خشن و زد و خورد های شدید دانشگاه های ملی و آریامهر و تهران را فرا گرفت. در دانشگاه تهران دانشجویان ضمن دادن عمارت های رژیم با مأموران خود گاه سفاک و جنایتکار شاه به زد و خورد پرداختند.

بعد از ظهر سه شنبه ۳۱ خرداد در مجلس فتنی برای پدر شیخ مجید معادی خواه در مسجد ارك تهران ترتیب یافته بود. مهندس مبارزان در روزنامه ها مجلس ترحیم را اعلام کرده بود و صد ها نفر با آشنایی که با شیخ مجید معادی خواه که از روحانیین آزادیخواه و مبارز است و سالها عمر خود را در زندان شاه سپری کرده است، در مسجد ارك جمع شدند. درست در همین روز در روزنامه ها اعلام شد که دکتر علی شریعتی ظاهرا بر اثر سگنه قلبی در لندن در گذشته است. با پخش این خبر در مسجد غوغایی برپا شد و اکثر کسانی که در مسجد ارك اجتماع کرده بودند شعار علیه رژیم پلیسی شاه - ساواک را شروع کردند. ضمن همین شعارها چندین نفر با صدای بلند اعلام داشتند که ساواک بدستور و توطئه شاه علی شریعتی را همانند جلال آل احمد و صد بهرنگی کشته است. این تظاهرات به خیابان ارك کشید و عزم آن ها - پلیس ماسک دار به مسجد و تظاهرات کنندگان حمله ور شدند و ضمن مجروح کردن جمع زیادی، حدود صد نفر را دستگیر کردند و با کامیون های مخصوص بردند که از سر نوشت آنرا اسلامی در دست نیست. رژیم بارور شدن با این خشم مردم و دیدگان وسیع قشرهای مذهبی، روز بعد اعلام داشت که مجلس ختم دکتر شریعتی که تاریخ آن در روزنامه ها روز پنجشنبه دوم تیر

ماه اعلام شده بود به تعویق افتاده است. اما در بسیاری از شهرهای ایران مردم علیرغم مخالفت ساواک مجلس ختم دکتر علی شریعتی را برگزار کردند. در شیراز دانشجویان در یکی از مساجد در افتاده مجلس ختم گرفتند و ضمن بخش اعلاجه و دادن عمارت مجلس ختم را به اجتماع مردم ترویج و خفقان تبدیل کردند. در این ماجرا مأموران شهربانی و ساواک تعدادی از شرکت کنندگان مجلس ختم را دستگیر کردند.

در مشهد نیز مجلس یادبودی در محاصره کامل یک نیروی بزرگ و مسلح به سربهای مخصوص، مسلسل و بی سم تشکیل شده که سرانجام آن به زد و خورد مردم خشمگین با نیروهای - انتظامی کشید. تمام خیابانهای محلات اطراف مجلس یاد بود بوسیله پلیس مسلح قرق شده بود.

علاوه بر اینها از جانب دکتر علی اصغر حاج سید جواری نویسنده معروف، اعلامیه های در سوگ مرگ دکتر علی شریعتی منتشر شد که از جمله در آن چنین آمده است:

برادر گرامی من دکتر علی شریعتی به شهادت رسید و او به پیروی از شریعت حق اسلامی در سالهای شکوفایی عمر کوتاه خود و در همه دقایق و لحظاتی که نفس زنده ای او در دوران حیات پر پرکتش می زد شهید زمان خود بود. شهادت به تعبیر اسلام و در ادراک بی کرانه و فیاض علی شریعتی نه در ایثار جان و مرگ در میدان نبرد بلکه در حذر و درزندگی زمانه و رنج و محنتی است که از - رهگذر استبداد و ستم ظالمان و سالیوس با کاران و ظارت زواندوزان مردم بینوا می رسد. . . . او در رصنه این جهان انسانی تبلور زنده یک امت بود، زبان و ظم او در چرخش بیدارگی و ظلم و ستم نظام استبداد تیغی بران و الماسی درخشان و حجتی قاطع بود. . . . راه او راه جاویدان حق و حقیقت و جهاد بر علیه ظلم و ستمگری بود. . . . من به خانواده او تلمیحت نمی گویم بلکه برای فرزندان او و همه فرزندان بافضیلت وطن خود آرزو می کنم که همچین دکتر شریعتی پیوسته شادمانه و شهید جاوید زمان خود باشند.

هزارها نفر در زندانهای شاه در سراسر کشور در بندند، در شکنجهگاههای "کیمه" و "اوهن" و - "اطاقهای تشییع" مراکز ساواک بوخشیانه ترین شکنجی عذاب می بینند و تحقیر میشوند. برای چه؟ برای - خواست عدالت اجتماعی، دموکراسی و استقلال کشور ما. وظیفه ما است که از این مبارزان خلق دفاع کنیم

نامه‌های اعتراضی

۱

بنفع آن جمعیت حرف زده بود هاند و از آن به بعد هیچ وکیل مدافع نظامی جرأت نمی‌کند که بنفع موکل خود بیان و دفاعی بکند .

... در همین موضوع شکجه زندانیان و بدرفتاری با آنان که زبانه‌ها خاص و عام شده و کلیه خانواده‌های زندانیان به علت سوء رفتار و عمل مأمورین با خود آنها و با زندانیانشان ناراحت و معترض هستند اگر زندانیان در اختیار ادگستری بود و دادستان می‌توانست بوظایف قانونی خود عمل کند - چنین سائلی پیش نیاید یعنی اصلا اگر ادگستری هذرت و استقلال داشت از وضع و تصویب قانون تشکیل معاکم نظامی و انجام معاکمات سیاسی در آن دادگاهها ممانعت میکرد و از جریان این همه معاکمات خانمان بهاداره و ضرر و مهلك برای مردم بیچاره ایران جلوگیری می نمود .

... تبلیغات فریبنده و وعده‌های اغفال کننده و دلخوشی‌های اساسی که صورت نشو اگان بیبضیر و ضحرف کننده جامعه درآمده است جرم قابل تعقیب میباشد ، سالهاست که مردم را با همین وعده‌های پوچالی و ادعاهای سرراپا خلا و دروغ سرگرم کرده اند . يك روز برای فرهنگیان خانه می‌سازند روز دیگر کارگران نوبه مسکن می‌دهند روز سوم قرا و قه پات کشور را با آخرین وسائل راحت زندگانی مجهز میکنند و حتی پشت تریبون مجلس رسماً می‌گویند کشور ایران تا ده سال دیگر بهشت خواهد شد و از این نوع ادعاهای دروغ و فریبنده - اذال و شواهد بگیری است که میتوان کتابها از آن تدوین کرد .

... در ختام عرایض خود در صورتیکه اهل محترمت سوال کنند که علاج این همه درد و گرفتاریها در ملک ما چیست عرض می‌نماید استقرار تجدید حیات قانون اساسی کشور با انحلال مجلسین و تشکیل مجالس منتخب مردم و تفکیک و جدایی و استقلال کامل قوه قضاویه از قوه مجریه و انتخاب وزیر عدلیه و سایر مقامات قضایی از بین قضاات پناهر انتخاب خود آنان و لغو کلیه قوانین ناقض اصول مشروطیت چاره ضحهور بفرود مردمی کشور است و آن نیز مقدر نخواهد بود مگر اینکه فرمان انحلال سازمان اضیت و اطلاعات کشور را قبل از عرافه‌ای صادر فرمایند تا انتخابات و انتصابات صحیح و بدون اعمال غیرقانونی نظر انجام گیرد .

اخیرا احمد صدر دادستان سابق تهران و وکیل دادگستری ، نامه سرگشاده‌ای بمشاه نوشته که در زیر بخش‌هایی از آن را میخوانید :

در سالی که پیش از چند روز از آن سپری نشده دستگاه قضایی کشور دو دفعه شاهد حمله اهل محترمت به نام ادگستری بود ما ست که در آخرین دفعه حتی آنجا را بهشت جنایتکارانه نامیدند . قضاات و کارکنان دادگستری از این تعبیر ناراحت شده و از خود سوال میکردند که کدام جنایتکار واقعی بدستگاه قضایی معرفی شده و از آن پاک و منزه خارج شده است - به علاوه مگر دستگاه ادگستری جزئی از اجزاء این کشور نیست ؟ چگونه میتوان در گوشه‌ای از استخری که مطو از آب آلوده و سیاه رنگ است آب پاکیزه و زلالی حفر نمود ؟ یاد خطه‌های از کشوری که خوشبخت آزاد بود الت در آن فرو بر کرده و ظلمت خفقان بر آن سایه گسترده است چگونه انتظار - روشنایی سعادت و خوشبختی و تابش نور عدل و داد میتوان داشت ؟

... قوه قضائیه کشور مطابق قانون اساسی ایران مستقل است و نیامیستی بهیچ يك از دو قوه مجریه و مقننه بستگی داشته باشد و این یکی از پایه‌ها و اساس مشروطیت ما ست که سه اصل ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ مضم قانون اساسی قوای سه گانه مملکت را ناشی از طت و ممتاز و مفضل از پند بگرتصیه کرده است . در اینجا این سوال پیش می‌آید که ند امیک از این اصول فعلا مجری است و طت در انتخاب یا انتصاب کدام قوه از قوای ثلاثه کشور خالت یا حتی نظارت دارد ؟

... سالهاست که در گیر ایران دشمنی آشفتی ناپذیر و مبارزه بیگبری با اساس شخصیت و انسانیت بوجود آمده است و از طریق ارهاب یا اغفال یا تطمیع بی حد و حصر و بهر صورتی از صوره شده است سعی میشود موازین و خوا به آادیت و شرفی مردمی و اساس اعتقاد و حیثیت انسانی و شخصی از بین برود به علت این مبارزه بسیار روشن و واضح است چه میسر مولود متفکر آفریقایی میگوید : "مردست و نوگرایی شخصیت وفادارتر و فرمانبردارتر میشود ."

... میگویند در کشور ما حقوق بشر نقض نشده است صرف نثار از امثله و شواهد فراوانی که در نقض حقوق انسانی دردست است موردی بسیار واضح و آشکار غیر می‌توانیم قده‌های به اتهام ایجاد جمعیت سیاسی در دادگاههای نظامی تحت معاکم و تعقیب قرار گرفته‌ها محکوم شدند و پلان نامه و کلی مدافع آنها را گرفته و آنها را نیز به یکسال زندان محکوم کردند و عنوان ضحک اتهام هم این بود که این وکلای - مدافع در دادگاه آن عده همین دفاع از آنها تبلیغ کرده و

در راه پسرانند اخستن رهیم استبدادی شاه

منحه سوم

۲

در زیر بخشهایی از ناه سرکشاده به شاه با امپای
 دکتر سنجایی، دکتر شایر بختیار و دانش فروری را میخواهیم
 فزاینده تنگناها و نابسامانیهای سیاسی، اجتماعی و
 اقتصادی کشور چنان در نمای خطرناکی را در برابر دیدگان
 هر ایرانی قرار داده که اعضاء کنندگان زیر بنا هر دقیقه ملی و
 دینی، در برابر خلق و خدا با توجه به اینکه در مقامات پارلمانی
 و قضائی و دولتی کشور کسی را که صاحب تشخیص و تصمیم بوده
 و مسئولیت و مأموریتی غیر از بیوری از "ضوابط ملوکانه" داشته
 باشد نمیسانیم و در حالیکه تمام امور مملکت از طریق صدر
 فرمانها انجام میشود و انتخاب نمایندگان ملت و انشاء قوانین
 و تأسیس حزب و حتی انقلاب در یک اقتدار شخص الهی میرت
 قرار دارد که همه اختیارات و افتخارها و سیاسیها و بنا بر این
 مسئولیتها را حصرا متوجه به خود فرموده اند، این شروحه
 را لطیفم خطرات سنگین تقدیم حضور مینمائیم.

در زمانی مبادرت به چنین اقدامی میشود که مملکت از هر
 طرف در لبه برتگاه قرار گرفته، همه جریانها به بن بست کفیده
 نیازندیهایی عمومی بخصوص غواربار و مسکن با قرضهای تهاول
 بی نظیر دچار تالیابی گشته، کشاورزی و دامداری روینمیستی
 گدازده، صنایع نویای ملی و نیروهای انسانی در بحران و -
 تزلزل افتاده، تراز بازرگانی کشور و نابرابری مبادرات و واردات
 و محنت آور گردیده، نفت این هرات گرانبهای خدادادی پشت
 تیز شده، برنامههای عنوان شده اصلاح و انقلاب ناکا جانده
 و از همه بدتر ناپدید گردنن حقوق انسانی و آزادیهای فردی
 و اجتماعی و نقض اصول قانون اساسی همراه با خشونتهای -
 پلیسی به حد اکثر رسیده و رواج فساد و فحشاء و تطلق -
 فضیلت بشری و اخلاق ملی را به تهاوی کشانده است.

حاصل تمام این اوضاع، توأم با ودهها و ادعاهای باپان
 نایدیر و گرافنگوییها و تبلیغات و تحمیل جشنها و تظاهرات
 نارشائی نموده عمومی و ترک وطن و خروج سرمایهها و همپان
 نسل جوان شده که عاشقانه با اولالب زندان و شکنجه و سرک
 میگردند و دست بکار نمائی میزندند که دستگاه حاکمه آنها خراب از
 و خیانت و خود آنها فد اکبری و شرافت میناوند.

این همه ناامنجاری در وضع زندگی ملی را ناگزیر باید
 مربوط به ارزش مدبریت مملکت دانست، مدبریتی که بر خلاف نص
 صریح قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر جنبه فردی و
 استبدادی در آرایش نظام شاعرشائی پیدا نروده است.

... بنابراین تنها راه بازگشت و زنده ایمان و مشخصیت
 فردی و همذاتر ملی و خلاصی از تنگناها و دشواریهایی که آینده
 ایران را تهدید میکند ترک حکومت استبدادی و تکمین مطلق
 به اصول مشروطیت، احیاء حقوق ملت، احترام واقعی به قانون
 اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، انصراف از حزب واحد

آزادی مطبوعات و اجتماعات، آزادی زندانبان و تبعید شدگان
 سیاسی و استقرار حکومتی است که متکی بر اکثریت نمایندگان
 منتخب ملت باشد و خود را بر طبق قانون اساسی مسئول -
 اداره سلطت بداند.

۳

و اینک بخشهایی از ناه سرکشاده سرهنگ بازنشسته
 عزیز الله امر رحیمی به شرح پهلوی:

... اکثریت کارندان و کارگران و حتی افسران شریف
 ارتش در آرزوی اجاره یک اطاق محقر و عدای غارتگر سعی
 میلیون تومان خرج گچ کاری قصرهای افسانهای خود میکنند
 با تحقیق دقیق حقوق یک مدیر دبیرستان که در بالاترین سطح
 در کادر فرهنگیان میباشد دو هزار تومان است یعنی یک
 مدیر دبیرستان پس از سه سال تمام اگر تمام حقوق اشراجم
 کند میتواند یک متر زمین بخرد و حقوق تمام ایام خدمت سی
 ساله او قیمت ده متر زمین است که در آن دفنش کنند. یک
 کارمند که ۲۰ ریال اندامه حقوق دریافت نموده پس از ۱۲۵
 سال با این اجاره - قرض یک متر زمین میتواند خریداری کند.
 آنوقت دولت از جوانان تحصیل کرده ما در خارج میخواهد تا
 بولن برگردند. یک مهندس که بولن بازگشته شاید پس از
 یک قرن اگر تمام حقوقش را صرفه جویی کند قادر به خرید یک
 آپارتمان سه اطاق باشد با این وضع نه تنها محصلین مادر
 خارج نمیتوانند بچهن خود بازگردند بلکه مغزهای متفکر -
 افراد شریف ترک وطن میکنند و مادر و ولن را برای آقایان
 رمائی، نیک پور، غیبی، خرم، لاجوردی و نظایر آنها
 باقی میگذازند.

هم اکنون عدای در جنوب شهر چون انسان اولیه در
 غارها زندگی میکنند که اینجانب حانرم علیاحقوت را با پس
 غارما را عنقائی گم و مشت غارتگر در شمال شهر قصرهای
 ۱۴۰ میلیون تومانی میسازند. قیمت زمین در مجاورت کشتار
 گاه تهران از زمین کاخ رئیس جمهور آمریکا و ملکه انگلستان سه
 مراتب گرانتر است. خرید منزل در بهترین خیابانهای نیویورک
 لندن و پاریس از بدترین محلات تهران به مراتب سهل تر است.
 این وضع ممکن نیست بتواند ادامه یابد.

از او پیشگاه علیاحقوت استعدا دارم چند دقیقه تصور
 کنید نه خانواده سلطنتی، خانواده یک کارمند و یا یک کارگزار
 علیاحقوت، سایه زنی که کارمند دولت و سرپرست خانواده اند
 برای اجاره اطاقی به بنگاههای معاملات ملکی مختلف سرزده
 و ناگام برگشته اند و منتظر فشار بیشتر صاحب خانه برای تخلیه
 اطاق اجاره ای خود میباشند. علیاحقوت (زن کارمند) برای
 بگروگ داشتن تنها فرش مدرسی که زیر پا داشته اند بهمانک

کارگشایی مراجعه کردند که متأسفانه بانک هم طبق اهلانی که هم اکنون نموده تا هشت ماه دیگر از قبول گروگان معذور است زیرا انبارهای بانک پر شده .

والاحقرت فرحناز مرعش ز بدین دارومانده . در چنین شرایط والا حضرت ولیعهد فرزند ارشد خانواده که شاهد درماندگی پدر ناراحتی مادر و ناله خواهر کوچک خود میباشد و هیچ راهی برای نجات خانواده خود پیدا نمیکند چه - حالتی دارند؟ و آیا این خانواده هم وضع کشور خود را شکوفا و ترقیات آنرا معبرالمقول میدانند؟ و هنگامی که فرزند جوان و حساس آنها در روزنامهها میخواند که عدهای غارتگر در - ساختمانهای ۱۴۰ میلیون تومانی به هشتاد و هشتاد میلیون - و عدهای با اسناد مالکیتی که باز دارند با شتابمیزان در گذشته بدست آورده اند سیلبار در همانومان بجهت زود در راه و آمریکا خود و فرزندانشان به حیثی مشغولند چه تصحیح میکرد؟ اگر از شدت صحنه‌نیت به اعمال افراطی دست بزنند تا نظام پوسیده اقتصادی دولت آقای محمد را در هم بکشد ارواحمتوان - گناهکار دانست؟ آیا از جوانی که تمام روزها بگری او و خانواده اش ریخته شده باید انتظار داشت که ظلم عظیم دولت آقای - محمد را تحمل کند و ساکت شامد مرگ خانواده خود باشد؟ این غیر ممکن است . این نظام اقتصادی که عدهای غارتگرند و غارت عدهها مجبور باشند سکوت نمایند و سیاستگذار دولتی که چنین وضعی را بوجود آورده باشند قابل دوام نیست . کشور ایران امروز بهشت جنایتکاران شده و آنستیکه بمنزله ای بند شرف و تقوی و مذموب هستند خود را در جهنمی سوزان احساس میکنند .

... علیاحقرتا اگر در ایران آزادی بود و احزاب به معنای واقعی وجود داشتند اگر در ایران انتخابات مجلسین حقیقی بود و روزنامه ها مانند تمام دنیا ناشر افکار عمومی و مدافع حقوق مردم بودند مسلماً ناراحتی های جامعه مختلف سطح طبقاتی باین حد نبود . قطعاً علیاحقرت تاریخ را مطالعه و توجه داشته اید که قبل از هر فاجعه در کشورها بی اعتنائی بقانون و اختلالی شدید طبقاتی بوجود آمده که صحنه عمومی را در پی داشته است . این برای همگان روشن است که امروز - قانون اساسی و حقوق بشر به بدترین وضع با تشبیه حکومت یک حزبی که مخالف قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر است در صحنه ما نقش شده و انتخابات مجلسین کمونیست دولت آقای محمدیها بمل آمده هیچگاه مورد قبول مردم نبود و است و این نقش قانون علت و ریشه تمام ناراحتیهای صحنه ما است علیاحقرتا ملت ما لزند اشتن آزادی رنج میرد و فریاد مردم کمخواستار برکناری دولت آقای محمدی او انحلال - حزب خلق التائیه رستاخیز و انتخاباتی واقعی هستند از هر گوشه و کنار بگوش میرسد . مردم خواستار آنند که بحساب درایی فیروز ، وکیل ، و نصاب و سرمایه داران بزود رسیدگی شود .

عموم مردم هم اورو حانی و بازاری و جوانان عده بانی - دانشگاهی همه یک کله را میگویند : آزادی . آزادی . آزادی . شعار تمام مردم ایران امروز یکی است یا مرگ یا آزادی که بحق در این راه مقدس با نهایت جسارت فد اکبری میکنند . ملت ما آزادی میخواهد و دولت مخالفین را بسا کمونیست و پامارکسیست اسلامی معرفی میکند و مشتق کارهای ساختمانی را بنام پیشرفت معبرالمقول به جامعه ارائه میدهد ولی مردم معتقدند که کسی که آزادی ندارد هیچ چیز ندارد . آزادی را نمیتوان با اسفالت خیابان ، پل هوایی و از این قبیل کارها تعویض نمود . اطلاق زندان را هرگز تزیین کننده باز هم زندان است و قابل زندگی نیست چون در آن آزادی وجود ندارد . وقتی تمام حقوق جامعه از طرف دولتها پایمال شد صحنه ملتها حتی است و این اصل را همگان قبول دارند .

۴

اخیراً نامه سرگشادهای از سوی کانون نویسندگان ایران با اطمینان چهل تن از سرشناس ترین نویسندگان و شاعران و ترجمان کشور بخطایبیه عبید ا ، نخست وزیر منتشر شده که در زیر بخشهایی از آن میآید :

... نشو کتاب و به بدو کلی ترویج هر نوع آثار فکری و هنری بخشی از سأسله وسیعتری است که فرهنگ ملی نامیده میشود و چارمجوی درباره این ساله هم ناچار وابسته به اقدام و مشارکت فعالان کفلی است که در نار خلافت - فرهنگ و آفرینش فکری و هنری در صف مقدم قرار دارند و از ارزشهای قوی با ملی فرهنگ جامعه را با آثار خورشید زنده میدارند . تلگر و چارمجوی درباره اینکه چرا چنین مشارکت فعالان و دربرگیرند ملی وجود ندارد ، مارا برانگیخت تا چنین نامهای به حذر و آنجناب بنویسیم .

... فرهنگ و خلافت فکری و هنری در جامعه ما دچار توقف و رکود شده است و حتی بهجرات می توان گفت که نشانه های بسیار نگران کننده ای از انحطاط فرهنگی نیز پیدا است که ابعاد آن هر روز گسترده تر می شود . به عقیده ما این وضع ناشی از عوامل پیشیا افتاده فنی و مالی در زمینه نشر کتاب نیست که در مجامع رسمی و دولتی عنوان می شود ، بلکه در درجه اول بسته به محدود بودن عده پید شریابط تلگر خلق و آزادانه برای نویسندگان ، شاعران ، اندیشمندان و کلیه کسانی است که در عرصه فکری هنر صلاحیتی بالفعل یا بالقوه دارند . سپس مربوط به ظوایب شده سانسور است که دستگاهاهی مختلف دولتی اعمال میکنند و سومین سأسله در زمینه مشکل کتاب ناشی از محدودیتهای شده بیس است که در جهت مطالعه کتاب برای مردم امل مطالعه ، مخصوص -

جوانان و دانشجویان موجود آمده است.

محدودیتها، فشارها و عوامل باورنده‌های که در برابر خلافت فکری و فکری وجود دارد نفتها ناشی از مقررات و وابستگی قانونی و دموکراتیک نیست، بلکه «التا دلخواسته» - دستگامها و اشخاص مختلف و ناشی از بی‌اهتمامی آنها به قوانین رسمی و آزادیهای انسانی است. با توجه به قانون اساسی که معرفی نظام دموکراسی و مشروطه کشور است و رنگامی به وضع موجود به جرأت می‌توان ادعا کرد که از مدتها پیش کلیه موازین از قانون اساسی که ضمانت و تقویت ریشه‌های اصلی انگیزه‌ها و محرکهای فرهنگی و خلاقیت فکری ورشد و بلوغ سیاسی و اجتماعی جامعه است - القا به وسیله دولت و ساواک‌های تابعان به حال تعلیق و تعطیل درآمده است. نویسندگان و روشنفکران و اعدا اندیشه از هرگونه تأمین حقوقی و قضائی و سیاسی و اجتماعی معروضند و در برخورد با قهر عوامل دولتی و سانسور و هیچ مرجع و تکیه‌گاه رسمی ندارند. چه بسا کسانی را میتوان نام برد که به جرم تألیف یا ترجمه و یا حتی خواندن کتاب‌های نامبرندان بصریردهاند و می‌برند. عوامل اساسی خلاقیت فرهنگی و فکری و وجود خطنهای سیاسی و اجتماعی و قضائی برای آزادی فکری و اندیشه، و آزادی مبادله افکار و تشکیل اجتماعات و چاپ و انتشار کتب و مجلات و مطبوعات جدی است که در قانون اساسی ما و ضم آن و اعلامیه جهانی حقوق بشر به وضع بیش‌بیشی شده است.

... تأسیسات آثار و علائم اندام و رکود فکری و نوازانی علمی و بی‌رونتی و وجود فرهنگی به روشنی در جامعه امروز همیدا شده است و هر ایرانی علاقت به سرنوشت ملی و قومی خویش را این اندام طوعین تأثیرش در وضع اجتماعی کشور نگران کرده است. اگر بنا باشد که ماهی عنوان ملی آزاد و سسر بلند و متکی به کار و فرهنگ خویش در جهان باقی بمانیم، و میراث ملی و فرهنگی گذشته خویش را که در جهان درخششی کم نظیر دارد باسد ابری کنیم، ناچاریم که قدم پیش‌بشیم و - محدودیتهای موجود را بر ابریم و با کار فکری و خلاق خود با تمام گروههای اجتماعی کشور ارتباط سالم و اصیل برقرار کنیم. برای رسیدن به این هدف در چارچوب قانون اساسی کشور و حدود و شمر اعلامیه حقوق بشر، ماده ۱۱۱ کنندگان این نامه تقاضا داریم:

- ۱- کانون نویسندگان ایران که رونوشت اسانامه آن به پوست تقدیم میشود و تقاضای ثبت رسمی آن شده بود، جواب مانده است، به عنوان مرجع برای تمامی افکار و روشنفکران ایران امکان فعالیت رسمی بیابد.
- ۲- هرگونه ظنمی در راه تأسیس محل یا باشگاهی برای اجتماع همه ای کانون در تهران و شهرستانها رفع شود.
- ۳- برای انتشار نشریه‌های جهت کانون و توزیع پلامان آن در سراسر کشور تسهیلات قانونی فراهم گردید.

رسوایی برق و ...

تا آنجا که «اپوهات دست آموز و بلندگوهای هرزه در او شاهزده خیر میدهند، اختلالات برق و خاموشی نای گدرد و کنترل ناشدنی تاکنون به ۹۰۰ کارخانه و مجتمع صنعتی کشور - به همای قلع کندهای وارد آورده است. تنها در تهران ۱۸۰ کارخانه بزرگ بتدریج به بهانه تعطیلات تابستانی، کار را متوقف کرده و میکنند. صنایع کلیدی کشور در حال نیمه تعطیل اند، در آنها واحد صنعتی در رشته‌های گوناگون به ویژه رشته‌های ذوب‌فلز، شیمیائی و حرارتی بر اثر عرج و مرج در انرژی الکتریکی خاموشیهای وقت و بیوقت و تغییر ولتاژ برق) خراب شده و خسارت دیده‌اند. میزان خامیهای تنها در هر صده صنعتی کشور میلیونها تومان تخمین زده میشود.

مردان ارها، تولید کنندگان لبنیات، سردخانه‌های مواد غذایی تولید کنندگان دارو، بیمارستانها و مراکز درمانی (از جمله مراکز نگهداری خون و اندامها و ... ذخیره) و کارخانه‌های - سیمان و مصالح ساختمانی و تأسیسات بیمار دیگر زیر ضربات و خسارات مادی و فنی (و نیروی کار معدوم رفته) گم‌شده‌اند و بعضی از آنها در آستانه از هم پاشیدگی اند.

افتتاح کمبود برق و خاموشیهای طولانی، اغلب با قطع آب در محلات مختلف شهر، به ویژه نواحی جنوبی تهران و مراکز تجمع و تراکم زحمتکشان شهرها (چون گلی که به سبزه آراسته شود) کامل میگردد.

در گرمای طاقت فرمای تابستانی، بهترین فشار و ناراحتی را توده‌های زحمتکش مردم عادی - بی‌حق و بسند و پارتی - تحمل میکنند. در این زمینه هم مانند زمینه‌های دیگر قانون رواج پارتی، تبعیض، طولانی‌ترین ساعات خاموشی و - سهمیه‌های آن را نصیب اکثریت زحمتکش و طبقات تهیدست‌تر میکند!

در این احوال، شاه شاهان و خانواده‌ها نازک تراز گلش (لا بد از غم ملت!) به کاخهای بیلاقی و صفای عمال بناه برد مانند نا با قاپقرانی و اسب‌سواری و هلیکوپترانی و شنا و قمار و ... ناراحتیهای مردم را فراموش کنند! و نخست وزیر نوحی دوران «انقلاب شاه علیه ملت» برای چاره‌جویی این بفرنجی که کمتر نظیری برای آن در سالهای اخیر حضور است، به جزایر بهشتی و خوش آب‌و‌هوا، تفریح فرما شده‌اند! این هم یکی دیگر از خطاهاست. بیرون بسیار بسیار عزیز شاه و ملت! با بحران بیسابقه برق، ناامش تولید در سطح انواع - فرآورده‌ها، بخصوص کالاهای مصرفی روز و مواد غذایی، حدود نگران کنندهای یافته است. این گامی از ۲۰ درصد کل تولید کارخانه‌ها آغاز میشود و بقول طاهر خیابانی رئیس‌اطاق بازگانی تا ۴۰ درصد و به گفته وزیر صنایع و معادن تا ۶۰ درصد - میرسد و این در حالی است که ما حتی در مطلوب‌ترین موقعیت تولیدی خود وارد کننده بسیاری از فرآورده‌های مصرفی روزانه

نیروگاههای آبی برای کشوری بی آب

این از عوارض و آفات پدیده‌های طبیعی است که تصمیمات دولتی و ضعیف حکومت و سیاست‌های اداری و تابع سلامت افراد و در حوزه نظرات خلق‌سالار و افکارتنک و محدود افعال کنندگان قدرت باشد. نمونه بارز چنین - تجر و آفتی را در سیاست انرژی دولت به روشنی می‌بینیم. سالهاست که کارشناسان و اهل فن فریاد می‌زنند که تسکین روی نیروگاههای آبی در کشوری که در تمام طول تاریخش از کمبود آب رنج برده است، نه یک اشتباه، بلکه خیانت است. برای کشوری که دارای عظیمترین منابع نفت و گاز است، مطلوبتر از نیروگاههای حرارتی تصور نیست. در اروپا آمریکا با وجود وجود پهنای زمین و وجود منابع عظیم آب (و نه به منابع نفتی)، از نیروگاههای آبی تنها به عنوان ذخیره استفاده می‌کنند. اما طراحان و تصمیم‌بران ما که جلوتر از بنی خود را نمی‌توانند ببینند و اسیر بند و بست‌های خارجی و ضایع شرکت‌ها و انحصارات امریالیستی هستند نه به اقتضای مصالح ملی، به اصرار کارشناسان شرکتها اروپائی و آمریکائی نیروگاههای آبی را برای تأمین برق کشور تجهیز کردند و با این خیانت سفید، زندگی مردم و گردش چرخهای ملکی را به بارندگی‌های غیرقابل پیش‌بینی و بالا نگرفتن احتمالی آب در پشت سد‌ها مشروط نمودند. بهین دلیل است که اینک با کاهش سطح آب در پشت‌سد رنما شاه (با ظرفیت ۱۰۰۰ مگاوات) و سد دز و سد محمد رنما شاه ایجاد فاجعه انرژی گسترده‌تر شده است.

نیروگاههای ارضائی و آمریکائی از دولتی سر نفت ایران ما، حرارتی هستند، اما نیروگاههای کشور نفت‌فیز ما در شرایط خشکسالی معمولی سنواتی، نیازمند قطرات آبی اند که ابرهای والهوس باید به‌زودند. چنین است معنای سیاست ستل ملی به سبک شاهانه تازه رهم خائن و جنایتکار شاه به‌همین هم پسنده نکرده است و نیروگاههای آبی را با آن مخارج اضافی در جهت اهداف پلید سیاسی - نظامی خود اما به حساب شروتی ملی بر یا حدی که او انهم مورد نیاز آنها را باید از کشورهای امریالیستی، با تمام وابستگی‌های سیاسی نظامی ناشی از آن، تأمین کرد. تازه انرژی‌های از این نیروگاهها ۱۳ بارگران‌تر از انرژی حاصل از نفتو گاز برای ملت ما تمام خواهد شد.

شاه‌شاهان که برای تحصیل سیاست انرژی خود به نفع شرکت‌های خارجی و به طمع حق دلالی و رشوه‌های کلان در این معاملات سنگین، مرتکب جنایاتی به‌مقیاس‌های کشور شده‌اند، باید مسئولیت تمامی خطرات مادری و معنوی و جان‌های بی‌شمار و آکنده در بیمارستانها و درمانگاهها بخاطر طرح و طرح‌های فدا شده‌اند، به‌سپرد می‌گیرد و حساب‌های هموزالت، وطن‌فروشی و قانون‌شکنی را پس بداند.

از خارج هستیم. واقفیت درون‌مای تیره ماههای آینده را از هم اکنون در برابر چشم ما تصویر میکند. طی یکی و دو ماه آینده با نه کشیدن ذخایر آنها را و فروشگاهها، سالانه کمبود و بازار سیاه بسیاری از محصولات که در مواقع عادی نیز با آن درگیریم ایجاد و تخم نری می‌یابد و باز مانند همیشه بهم خوردن تعادل عرضه و تقاضا در بازارهای داخلی و - افزایش نرخ تورم و گرانی، زندگی سوت و کور و بی‌زمین‌حسب گمان، به‌بهره کارگران و اکثریت کارندان، بیش از پیش در معرض تحمیل و فشار جدید و انواع محرومیت‌ها قرار می‌گیرد. - سالهاست که در آرای صرف به‌بهره، ثروت نفتی، انواع - کامپیوتر، تریلی‌ها، هواپیماهای عظیم حمل و نقل، کشتی‌های باری و واگن‌های قطار، انواع محصولات را (از تخم مرغ و گوشت و روغن و کره و گندم و برنج و میوه و سبب زمینی و غیره گرفته تا انواع وسائل نقلی و صنعتی) از کشورهای و قاره‌های مختلف، به ایران می‌آورند. (هفته‌هاست که تنها برای تأمین تخم مرغ هر روزی روزانه کشور هر روز با هواپیما ۸۰۰ تن تخم مرغ از اسرائیل وارد می‌کنند و باز با کمبود وسیع تخم مرغ روبرو هستیم) سالانه کمبود و کاهش تولید داخلی، در چنین فن و فناوری است که با سایه روشن شوخی تکوین می‌یابد، چرا که اسکله‌ها و کمرکات و اغلب وسائل حمل و نقل زمینی و هوایی ما ظرفیتی بیش از این ندارند (برای به‌بهره‌ای که تنها در سال گذشته مادر حدود ۹۰۰ میلیون دلار، به ۹۰۰ میلیون - دلار هزینه سورعلاز کشتی‌های منتظر رادر اسکله‌های ایران برداختیم) به این ترتیب کاهش عظیم تولید داخلی که باید با حجم غول‌آسای واردات خارجی جبران شود، معلوم نیست چگونه تأمین خواهد شد. (باید خودبین بود و) چهارده کسری برداخت خارجی سال گذشته دولت رانده گرفت! از معجزات آریامهری نباید غافل بود!

ساله قطعی برق صرفنظر از همه جوانب صیبت بارو در همین حال افشاگرانش، به بهرماز این دیدگاه قابل تأمل بیشتر است که بصورت مرکز تقاطع همه معایب و فاسد احتضالی و کهنکی و پوسیدگی و وسائل و شیوه‌های حکومتی و عوارض اختناق و سیاست‌های خرد خلق و ایران بر باد ده رهم آریامهری در مقابل با واقفیت و مقتضیات جهانی و جامعه امروز ایران درآمده - است.

بیش از آنکه ماجراهای ننگین و انگیزه‌های واقعی بحران ناگهانی برق را که رهم به‌خاطر جنبه‌های شده‌اند افشاگرانش در گمان آن می‌کوشد، به‌ملا گیم و بیش از آنکه جوانب گوناگون عوارض داشته‌دار این حادثه را در زندگی مردم، به‌بهره‌ای که کلرگر ایران بررسی نائیم، به‌ضروری است که به شرایط ناخوشایندی که ترازی برزی، و تمامی صائب و بلاهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ما ناشی از آنست به اشاره و بطور گذرا نظر کنیم:

رژیم کهنه و نامعاصر

واقعیت این است که کشور ما در راه رشد سریع صنایع سرمایه داری گام نهاده است و این امر را با آنکه شتابناک می بینیم سرمایه داری ایران که با تکیه بر صنایع عظیم درآمد نفت توانسته است در باره ای اورشته ما تا حد انحصاری و نیمه انحصارات رشد کند و با در هم جوشی و پیوند سرمایه بانکی و صنعتی، قلب های مالی بر قدرتی ایجاد نماید و صرفه از مسائل و عوارض رنگارنگی برای کشور ما به ارضان آورده و در مجموع سبب شده تا روابط و نظامات اختصاصی - اجتماعی ما گسترده و پیچیده و متنوع شود. رژیم سرمایه داران بزرگ و مالکان عده ارتزی (که در پی پیوندی با سرمایه داری جهانی یعنی - امریالیسم است) چون از های عفت سری همه شئون و - امرهای حیاتی جامعه را در میان چهره های خود گرفته است و در باره پولوی به شاهه هفت سر این از های بر اشتها و سیری نابدیر عمل میکند. با این حال نظر به پیچیدگی روند تکاملی - جامعه در شرایط سرمایه داری معاصر، شیوه های حکومتی غربی و دیکتاتوری شاه و خاصان و حاجبان و اهلوان و انصار او و دست نگاهای پلیسی و امناری و خوابگاه قضائی و محمل های عقبنه آن به شدت با اوضاع و احوال امروز (هم در ایران و هم در جهان) ناساز و نامعاصر شده است. این شیوه تنگ و محدود حکومتی رفته رفته بصورت سد و مانع اصولی در جهت پیشرفت و تعمیق و گسترش صنایع سرمایه داری در کشور ما در آمد، از این رو محتوای روند سرمایه داری ایران با شیوه سیاسی حاکم بر آن به شدت در تناقض قرار گرفته است. رژیم در حالیکه از یکسو به کارگرها سواد و تخصص و گسترش شبکه دانشگاهی کشور برای تربیت کارگر - وسیع مهندسان و تکنسین ها، مدیران و بوروکرات های گوناگون و چرخهای او را بر گردش در آورند و اولر کند نیاز ضد است، بخاطر خصالت مبدعانه اجتماعی و خرد ملی خود و از این بیشتر به اقتضای حکومت دیکتاتوری خود گام فرس نمیخواهد و نمیتواند به دیگران اجازه دخالت و شرکت در امور مختلف اجتماعی و - اقتصادی و سیاسی را بدهد. سانسور و اختناق و ترور دولتی و گسترش شبکه های زندان و تکیه بر سر نیزه، به اعمال کردن قانون اساسی و غیره به تبعیت از خصالت دیکتاتوری فردی و شیوه معمول حکومت فئودال و این شیوه آمکار با توسعه دانشگاهها شبکه های درمانی و بهداشتی (چرا که سرمایه داری به نیروی کار احتیاج دارد و کارگرمال و تند رست بهتر و بیشتر میتواند نیروی کار خود را به ثمن بخش بفرشد) و توزیع اختیارات و مسئولیتها جایگزینی روابط و ایجاد بنیاد نانو تأسیساتی کبیر حرکت های اجتماعی - اقتصادی و تجارت داشته باشد و از اینها نند ضایع طبقه و رژیم آن بخاطر ضایع افرادی از آن طبقه و رژیم جلوگیری کند، فرام آوردن موقعیتی که شکاف بین دولت و مردم تا حد مکن ریختی شود و مردم در احساس گناهی - مشارکت در امور ملکی و نیروی کار بیشتری بنفع رژیم صرف -

نمایند، در تضاد و تناقض قرار گرفته است. در چنین شرایطی است که رشوه و ارتشا و فساد و دزدی و حیف و میل کردن ثروت ها و دارائی های عمومی و فرار از کار و مسئولیت و شیوع روحیه نانی، دروغبانی و مجرکویی و هنرگرنش کردن به صند نما و صاحبان صند و حرف زدن به جای عمل کردن و غلا نانی از عمل نکردن را تبلیغات و جارو جنجالهای گان به بی پشتوانه برگردن روحیه مسلط جامعه میفرد.

در ارتش دزدی میشود، در وزارت بهداشت دزدی می شود، تنها در یک معاهده شکر در وزارت بازرگانی ۲۰۰ - میلیون دلار در جیب های صغری و پرشدنی فرو می رود و کم می شود، میلیون ها دلار بر سر روزنترین و طبیعی ترین معاملات ملکی بلعیده میشود. کارگر به اگر کار میکند، کارخند به دلسردی و نومیدی میگراید و به این جریان عظیم فساد - اجتماعی با عادت میکند یا تمکین مینماید یا آن می آمیزد و قس علیهذا

بله، دیکتاتوری که میلارد ها به جیب میزند، تارک و رشه فاسد است و خود بزرگترین قانون شکن و بزرگترین دروغ گو است و نمیتواند بخواند (و البته نمیخواهد چون در آن صورت شراپه صافه برای ادامه زیست او از بین می رود) و انتظار داشته باشد تا دیگران دزدی نکنند، با فساد مبارزه کنند و هستی خود را وقف رژیم نمایند.

خلاصه کنیم: گسترش صنایع اقتصادی اجتماعی جامعه با حدت و وفادت با شکل حکومت فردی و دیکتاتوری شبه فاشیستی آن دچار ناسازگاری عمیق شده است. تگانهای ناشی از این تناقض و تضاد گاه و بیگاه به شکل گندیگی ها و رسوائی های در این سو و آن سو رخند میکند و در نهایت چوب لای چرخ بهشرفت نیروهای مولده میگردد. وقتی کار به آنجا می رسد که بر اثر سوء سیاست و دزدی و رشوه خواری نوکران و نمایندگان رژیم، برق ملکیت دچار اختلالات عظیم میشود، دیگر نه تنها سرمایه دار ملی، نه تنها سرمایه دار وابسته به امریالیسم (کمپرادور) و نه تنها سرمایه دار کلان، بلکه حتی سرمایه گد ایران خارجی هم که مستقیماً به خون بیخای ایران آریا مهر زده - دعوت شده اند، دچار زبانه های سنگت و خشم آور میشوند و ضرورت تغییر و تحول در این صنایع تنگ و محقر سیاسی را که این نوع بیماریها و عفونت هانتیجه ناگزیر آن است بوضوح در می یابند.

گاهی آنقدر شور میشود که آمیزبانی هم ضوجه میشود!

حقایق پشت پرده ماجرای برق

رشته های بحران کنونی برق از سوء استفاده های جهوت کننده و دزدی و رشوه خواری در باره های وزارت نیرو در زمان وزارت روحانی آب میخورد. در جریان ایجاد شبکه سراسری برق

توسط روحانی (این عضو فعال شبکه نیروی پهلوانی ایران) علاوه بر حیف و میل و زدی‌های کلان و رشوه گرفتن‌های دوار انگیز و بیشرمانه، بجای وسائل و تجهیزات از زمین گذشته و مدتی در بسیاری از موارد وسائل و زئراتورهای خریداری شده که نمونه‌های آن از دور خارج شده بود، بدیهی است این زئراتورها که به بهای ارزان خریداری شده و با حساب سازی‌های وقحانه به قیمت‌های گزافی به دولت قالب گردیده از همان روزهای اول قادر نبودند در حد اکثر ظرفیت خود نیازهای برقی مملکت را تأمین کنند. فی‌الطی از ۲۰ نیروگاه‌های و حرارتی کشور که حد اکثر ظرفیت آنها ۴۳۰۰ مگاوات است ما هرگز نتوانستیم ۴۳۰۰ مگاوات برق مورد نیاز کشور را بدست آوریم. این واقعیت را حتی روزنامه دولت کیهان در گزارشی که در روز اول مرداد ماه جاری به چاپ رسانده تأکید کرد: «کارشناسان برقی اظهار نظر میکنند که از ۱۸ سال پیش قدرت تولید برق نیروگاه‌های ایجاد شده از میزان صرفی بیشتر بوده، با این وجود در تمام این مدت پاکبند نیروی برق روبرو بوده‌ایم».

طبعی بود که وسائل و زئراتورهای از دور خارج شده‌های که توسط دلالان غم از جمله روحانی خریداری شده، خیلی زود دچار اختلال شود. این حادثه محتوی بود که از روز اول پیش بینی میشد. وقتی باره‌ای از تأسیسات از جمله زئراتورها از کار افتادند و به وسائل بدکی احتیاج پیدا کردند، یافتن ابزار بدکی آنها میسر نبود، چرا که این زئراتورها دیگر در کشورهای تولیدکننده آن مورد استفاده قرار نمیگرفت و از دور خارج شده بود. از این رو ساختن وسائل بدکی برای شرکت‌های سازنده مقرون به صرفه نبود. برای ساختن اختصاصی وسائل بدکی مورد نیاز دولت ایران تقاضای ۵۰۰ میلیون دلار بول شده رقم سرسام‌آوری بود. کار به چانه زدن و کش و واکش انجامید و با خارج شدن زئراتورها از شبکه سراسری و از کار افتادن نیروگاه و فشار شده بدتری بر دیگر نیروگاه‌ها وارد آمد که خود سبب فرسودگی و سرانجام اختلال وسیعتر در شبکه سراسری برق شد.

در حالیکه این جریان در شرف انجام بود کمیته‌های سازنده نیروگاه‌های ایران که علاوه بر سودهای هنگفت ناشی از فروشهای عظیم خود به دولت ایران، هزار کارشناس و تکنسین خود را با حقوق‌های گزافی (تا ۴ هزار تومان در ماه) به دولت ایران تحصیل کرده بودند، دست به خرابکاریهای همدی در بعضی نیروگاه‌های ایران زدند تا ادامه حضور کارشناسان بیکاره خود را توجیه کنند و نیز وسائل جدید را با قیمت‌های سنگین تر بجای وسائل آسیب دیده به ایران بفرستند. در این مورد میتوان شت نمونه خروار به چند مورد اشاره می‌کنیم. نیروگاه شمیران که ظرفیت آن بیش از ۶۰۰ مگاوات است یکبار به علت ورود اسید به یکی از دیگهای نیروگاه دچار

خسارات سنگین شد. کارشناسان این حادثه را عجیب و بی‌سابقه و همدی اعلام کردند، اما ماجرا برده پیشی شد. در نیروگاه ضحیل که با بود واحد خود در حدود ۲۵۰ مگاوات به شبکه سراسری برق حده شد، چندی پیش یکی از توربین‌ها به علت ایجاد ترک‌هایی در لوله انتقال بخار از فشار قوی به فشار متوسط از کار افتاد. کارشناسان این حادثه را نتیجه یک اشتباه خطرناک تشخیص دادند که بر اثر آن در بردها رسوب و در لوله ترک خوردگی ایجاد شده است. کارشناسان خارجی نیروگاه در بخش‌هایی مسئول مسئولیت حادثه اعلام کردند اما با وجود خسارات سنگین، ماجرا باعث مالی شد! در نیروگاه‌های دیگر کشور از جمله فرح‌آباد و طرشت نیز حوادثی از این قبیل که شخصین و بازرسان ایرانی وزارت نیرو در گزارشهای خود آنها را خرابکاری یا سهو مقربین به خرابکاری تشخیص داده‌اند، نظایر زیادی دارد که بخاطر تعاریف فنی آن از ذکر یکبار آنها میگذریم. فقط به این نمونه بارز خرابکاری در نیروگاه طرشت اشاره میکنم که به علت آن خسارات سنگینی به نیروگاه وارد آمد و پس از تحقیق معلوم شد که مقدار زیادی بتن در صافی‌های بخار توربین ریخته‌اند. در این نیروگاه چند لوله و دیگ بخار منفجر شد. دلائل این انفجارها و نیز نواحی دیگر این نیروگاه نیز هرگز افشاء نشده و پرونده آنها با بگانی گردید. و اینکه نسبت نیروگاه رضا شاه است با آبروهی کرامت انگیزی به مقیاس همه خاموشی‌ها و تاریکی‌های وسیع کشور...



خیانت به ضایع و هالچ طی عمر روز مرزهای وسیع تر و کیفیت تبیگراتوری پیدا میکند. برای رهی که سرسپردگی به امپریالیسم و شرکت‌ها و انحصارات و سرمایه‌های خارجی را با همای شدت و اعتقادی دنبال میکند که همین پرستان آزاد بخوان را به زندان و شکنجهگاه میفرستد و درخواست و آرزوی شریف و انسانی و هر مطالبه تودم‌های را با خشن‌ترین و وحشیانه‌ترین اسلوب و وسائل سرکوب مینماید، پایان کار فراموشد. او باید در باطلی گم‌شده گم‌شده خوش و در تلاطم تضاد‌های سه‌گین و تناقضات و زنی که خود آفریده فرق نمود و میزانه دان تاریخ بیهفته تا بحران برقی و عناصر عدم آور آن به اشکال و در زمینه‌های دیگر تکرار نشود.

تحقیق این ضرورت تاریخی و طی درست هم‌اوازی با خطر روز حزب توده ایران است که تمامی طبقات و اقشار و عناصر همین پوست و خند رژیم مطلق استبداد راه وحدت عمل در یک جبهه گسترده ضد دیکتاتوری فرا میخواند.

بحران برقی و بی‌آمد‌های ایجه خیز آن بار دیگر حقیقت و صبر بودن وظایفی را که در بانگ این شعار موج میزند - تأکید میکنند...

توسط نمایندگان کارگری

در رابطه با بحران برق

بیش از آنکه ساله رسوائی برق پیش باید رزم ملی و ضد کارگری تدابیری را در جهت تعدیل و استثمار کارگران توسط سرمایه داران بزرگ و صاحبان انحصارات زمین چینی بکند که اهم آن در مقررات انطباقی کار قبلواست. در رأس تدابیر جدید دلیل تراغی نما و بهانه گیری های بی ضابطی بودن تا بتدریج سود ویژه کارگران را که حاصل مهارت صنوبر و بیکری این زحمتکش ترین و بی نصیب ترین طبقه کسری بود - بایمال کنند. از این رو بود اخت سود ویژه موکول به بازدهی کارو میزان سود دمی واحد تولیدی شد (که طبیعی است با حساب سازبهای سرمایه داران و گسترش وسائل و شبکه های تولیدی آنها به حساب مخارج ضروری تولید دیگر محلی برای برداخت سود ویژه باقی نمی ماند). مسأله خاموشی های برق و کاهش تولید واحد های صنعتی کشور، اینک بهترین بهانه را در اختیار رزم قرار داد است تا توسط ضد کارگری خود را با قیافه حق بجانبی به مرحله اجرا درآورد. در ماجرای برق و خسارات و زیایات و آثار ناشی از آن همانند آنکه قبلا شرح دادیم بهترین فشار بر زحمتکشان و به ویژه کارگران وارد خواهد آمد و به این ترتیب کارگران در معرض فشار دولایه ای قرار میگیرند که یکی از آنها ناشی از سوء سیاست و فساد در رزم و دیگری ناشی از اغتفای سرمایه داران برای غارت و استثمار بیشتر است. زمره خود داری از برداخت سود ویژه از هم اکنون آغاز شده است و علاوه بر آن هیچ بچه و دیگری هم در گرفته تساهات کار کارگران در پارهای از واحدهای بزرگ تولیدی از روز به شب منتقل نمود. از آنجا که سود تساهات کار در شب ۳۰ درصد بیشتر اورد است، نمایندگان دولت و تهداد ای او کارفرمایان رزم خود این ضرورت را پیش کشیده اند که در شرایط اضطراری باید ۳۰ درصد اضافی کارمب حذف شود طبقه کارگرایان باید از هم اکنون خود را برای مقابله با این نوع وسیعها آماده سازد. رزم سرمایه داران داخلی و خارجی از کارگران بردگان کار ساخته است و اینک در تدارک آنست تا این بردگان را به بیکاری بیشتر و محرومیت جانگناکتر و دستمزدها و مزایای کمتر دعوت کند. تنها تفکک و مهارزه اصولی بر موازین تجربیاتی که طبقه کارگرایان طی سالهای متبادی کارو پیکارند وخته است میتواند انواع توطئه های رزم و دست بردردگان و سهالکی های آنها نقش بر آب سازد. رزم برای جبران خسارات سرمایه داران عمده در جریان بحران برق، بررسی طرح ها و تدابیری را آغاز کرده است (کمیت های مخصوص از طرف دولت و بازرسی شاننشاهی برای ارزیابی و برآورد زبانه های کارخانه های بزرگ تشکیل شده ولیست بزرگی تا کهن تهیه کرد ماند). بهالیکاری مالی ایران و سرمایه داران

پیرامون برخی مسائل کارگری

کارگران انتخابان خود در نتیجه کار آفرین نامه انطباقی کارگران بود که اخیرا به شکل نهایی خود اعلام و منتشر گردید و دست سرمایه داران را او در جهت برائی افعال فشار بر کارگران و تشدید بهره رکنی از آنها باز گذاشت. قرار است در نخستین مرحله این آئین نامه مدت دو سال در مورد ۱۲۰۰ واحد بزرگ صنعتی کشور، بهوش از یک میلیون کارگر به اجرا گذاشته شود. مواد این آئین نامه تماما به نفع کارفرمایان و به ضرر کارگران است و عرکونه عکس العمل و فعالیت اعتراضی و اعتصابی کارگران را با ترویج و تشبیه و کمکردن دستمزدها و اخراج و البته سرکوب و زندان پاسخ میدهد. کسری رسیدگی که برای حل و فصل موارد اجرا بلام اجرا این مواد - پیش بینی گردیده نیز خود گویای ماهیت ضد کارگری این آئین نامه است. در این کمیته ه نظری سه نماینده مستقیم کارفرما (مدیران کارگری، نماینده تام الاختیار کارفرما و مدیر فنی کارگاه) و دو نماینده غیر مستقیم (اول نماینده کارگران؟ و نماینده سندیکا - چرا که این دو نیز معمولاً تحت نفوذ و نظر کارفرما انتخاب میشوند) شرکت دارند و در نتیجه همه تصمیمات آن بی شک علیه کارگران خواهد بود. (ط در شماره های آینده مجله "به بررسی تفصیلی این آئین نامه" ضد کارگری خواهیم پرداخت).

سخن بر سر اختصای کارگری سال گذشته بود که یکی از خواستهای مشترک همه آنها افزایش دستمزدها با توجه به رشد سریع و بی بند و بار هزینه های زندگی و کاهش مداوم سطح زندگی کارگران و خانواده آنها بود. وزارت ناوبر اثر فشار جنبش اختصای کارگران مجبور به تجدید نظر در حداقل دستمزدها شد و صص از یک رشته محاسبات من درآوردی صفر نوج (ناکارگران از آن سردر نیاورند!) آن راه به ۱۵۰ ریال رسانید که با صج اعتراضی کارگران روبرو شد و در نتیجه وزارت کار در اواخر سال گذشته رسماً اعلام داشت که در میزان رسمی حداقل دستمزدها پرودی تجدید نظر خواهد کرد. با این وعده کارگران سیاست صبر و انتظار پیشه کردند تا اینکه اخیراً وزارت کار حداقل دستمزدها را ۱۸ تومان اعلام کرد که خشم کارگران را برانگیخت. چرا که در شرایط کنونی قشها و گذران زندگی (هر چند محروم و فقرا میزند) با مانوس ۴۰ تومان برای یک خانواده حداقل چهار نفره کارگری به هیچ وجه امکان پذیر نیست و این خانواده بهادر واقع در معرض گرسنگی، بیماری و مسکنی و فقر و رزمان دانی هستند در چنین شرایطی و در برابر یک چنین رزم بی مسئولیت و بی تدبیری کارگران چاره ای جز تشکل و مهارزه صنعتی و همکارانه صنفی و سندیکائی و سرانجام سیاسی برای استیفای حقوق حقه و قانونی خود و در نهایت بر انداختن رزم ضد کارگری موجود ندارند.

بزرگ به حساب ملت و از خزانه او کتک میشود و اما بجای - جبران خسارات زحمتکشان و کارگران و حقوق ناچیز آنها را حد زند و برای بایمال کردن مزایای اندک آنها توسط همین چینه اند این بی شرفانه ترین نوع تبعیض و استثمار و غارتگری است زانوها و آنها اختصای عجیبی دارند!

جنبش‌ها و مسائل کارگری

در کارخانه از مردم دعوت کرده بودند که برای شرکت در جشن روز کارگر (اول ماه مه) به داخل کارخانه بیایند. در جریان این جشن بنا کارگران طی سخنرانی‌هایی واقعه تاریخی اول ماه مه را برای شرکت‌کنندگان تشریح کردند و لزوم افزایش حقوق کارگران را برای دفاع از حقوق خود یادآور شدند. از نکات جالب جشن‌های این روز برنامه دقایقی بود که در بیشتر کارخانه‌ها کارگران تنظیم کرده بودند تا بلندگوها به دست عواملی از کارفرمایان نهدند تا با شعارهای عوام‌فریبانه و احمقانه تبلیغ برای شاه و درودسته او به خواست و هدف کارگرها که تا کلمه بر لزوم مبارزه طبقه کارگر برای آزادی پس گرفتن حقوقی شان است خیانت کنند.

اعتصاب کارگران کارخانه زاگرس

کارگران کارخانه زاگرس واقع در جاده کرچ از روز پانزدهم اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند. خواست اصلی کارگران اعتصابی افزایش دستمزدها در حد افزایش سرجمع هزینه زندگی بود. کارخانه زاگرس پیش از ۸۰۰ کارگر دارد که در شیفتهای مختلف در روز شب به کاری پرداختند. در این واحد صنعتی پنجهال‌های بهترین و سردخانه ساخته می‌شود و از آن جا که انواع پنجهال‌های و تنوعی این کارخانه که تمامی دستوران‌ها و پنجهال‌فروشی‌ها را واحد‌های گوناگون صنعتی به آن نیازمندند قسمت اعظم بازار کشور را تأمین می‌کند و تقریباً نسبی انحصار به وجود می‌آورد. مسوول زاگرس سرسرا آرواست. و این امری است که کارگران نیز به آن متوقف کامل دارند. در شرایطی که کارگر ۱۵ ساله زاگرس حداکثر ۱۷۰۰ تومان در ماه عایدی دارد و کارگران تازه وارد روزانه بیشتر از ۲۰۰ ریال دریافت نمی‌دارد، بر اساس محاسبه کارگران سود کارخانه در سالها میلیونها تومان است. اصالتاً بر این تعداد‌های موهومی کارگران منوط بر ضرورت اساسی ارتقا دستمزدها و مسئولان کارخانه به طور متوسل در دسترس ریال به دستمزدها کارگران افزودند. اما کارگران نیز برفتند و با توجه دادن مسئولان به سود کلان کارخانه و تنوعی سرسرا آروزندگی در خواست توهم اساسی دستمزدهای خود را کردند. در پیشینها کارگران باعث اعتصاب شد. کارگران با لباس کار در کارخانه حاضر می‌شدند اما از کارسازی رتبه

تعمیر و انحصار کارگران مبارز

تعدادی از نمایندگان کارگران شرکت نفت آبادان که سال گذشته موفق به یک اعتصاب سازمان یافته شده بودند و خواسته‌های خود را به شرکت نفت و ساواک قبولانده بودند هنوز در تبعید به سر می‌برند و اخیراً با آن که مدت محرومیت آن‌ها برای ورود به آبادان تمام شده است به خانسوادیه آن‌ها اطلاع دادند که آنها می‌توانند با ما بیایند و ما می‌توانیم آن‌ها را از ساواک بگیریم و برای همیشه نزد آن‌ها بمانند. چون دیگر به آن‌ها اجازه ورود به آبادان داده نشده است. انتشار این خبر بین کارگران شرکت نفت موجب از خشم را سبب شد و باست و هزاران کارگر استشارشده شرکت نفت این روزها به امید دیدار رفتاری آزاده و هاشمیا متخورد و با کینهای فراوان نشدنی نسبت به ساواک و کارفرما به سرگرمی روند.

اعتصاب کارگران گروه پزشکی تبریز

چندین پزشک و پرستار در وزارتین از کارگران گروه‌های آجر پزی و کارگران حمل و نقل آجر در تبریز دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب وسیع در مناسبت تیرین فصل ساختمان‌های رگود ناگهانی کارهای ساختمانی در تبریز و شهرهای اطراف آن شد. کارگران اعتصابی خواستار ارائه دستمزدها بودند. آن‌ها می‌گفتند با این شغل‌های آجر که به عنوان مزد به آن‌ها پرداخت می‌شود حتی از سیر کردن شکم‌های خود و خانواده‌شان به نماند خالی و تهیه یک سرپناه برای خانواده عاجزند. از نتیجه اعتصاب خبری نداریم.

کارگران اول ماه مه را جشن گرفتند

در روز اول ماه مه در حالی که ساواک با دعوت از عوامل خود و ترتیب دادن مراسم و جشن‌های موهومی تبلیغاتی و تحمیلی کننده سعی داشت واقعه مبارزه جوانان و الهام انگیز این روز تاریخی را لوستر کند مردم کارخانه واقع در جاده کرچ کارگران در بیشتر درهای بسته و در محولته‌ها فقط از راه کارخانه‌ها با سخنرانی‌های زور و یادآوری جاننازی کارگران شهنشاکو جشن اول ماه مه را برگزار کردند. در بسیاری از کارخانه‌ها کارگران با نصب یک اعلان بزرگ روی

آن روز به حساب او غیبت منقول خواهد شد و چنین کاروری باید برای آن روز به خانه ایشان برگردد. این جناب سر وقت مستعد و برافاده در روز ای که کارگران به عنوان اعتراض کم کاری می کردند، با برخاستن جوی و دشنام یکی از کارگران اعتصابی را به باد کتک گرفت و به شدت ضروب کرد. این رفتار وحشیانه ششم کارگران را برانگیخت و آن بنا متقابلاً عکس العمل شدید تری نشان دادند و حتی از معترض در پای ماشین ها سر باز زدند. کارگران جنرال موتورز که در اعتصاب و اعتراض خود یکپارچه و هم بودند، پیش از تبدیل حالت نیمه اعتصابی به اعتصاب کامل، یکساز مهندسان اعتصاب شکن را که برای جلب نظر کارفرما در روز اعتصاب در سرکار حاضر شده بودند تهیه کردند بودند. آن بنا هم بودند تا تحقق خواست های شان که اینک اخراج رئیس حفاظت نارخانه نیز به آن انجام شده بود به هم گرزده خواهند شدند. از سرانجام این اعتصاب اطلاعی نداریم.

این جریان يك هفته ادامه یافت تا به ترميك مسئولان کارخانه پلیس و ژاندارم به دارخانه بجا آوردند. برای شکستن اعتصاب حقه کارگران ضمن مازوب ساختن تعدادی از آن ها، تنسی چند از کارگران را بازداشت کرد. از این پس اعتصاب کارگران وارد مرحله تازه ای شد و علاوه بر خواست قبلی آزادی کارگران بازداشت شده نیز به فهرست تظاهرات کارگران اضافه شد. پیکارهایی منقول کارگران محترم و عزم آن ها برای ادامه مبارزه تا پیروزی در غرض است.

اعتصاب دانشمندان

در اردیبهشت ماه رانندگان کامیون های شرکت تراپری متعلق به ماسپر قلا مرزا در شیراز اعتصاب کردند. اطلاعاً زیادی در باره این اعتصاب تاکنون نرسیده است. ضمن قدر می دانیم که افزایش دستمزدهای از خواست نامعناسی کارگران اعتصابی بوده است. کارگران رانندگان تراپری تا چهار کاره و وضع بد زندگی و افزایش سرسام آور و غیر منطقی قیمت ها و عدم توازن دستمزدها با هزینه زندگی به ستوه آمده اند.

اعتصاب در کارخانه های کفش فردوسی و فلز کسار

در اولین روزهای نیمه دوم اردیبهشت ماه کارگران در کارخانه کفش فردوسی و فلز کسار که در جاده کرج قرار دارند به عنوان اعتراض به بدی غذا، نداشتن سرویس حمل و نقل و کمی دستمزدها از کار کشیدند و اعتصاب کردند. کارگران در خواست های خود که تسلیم نماینده کارفرما نمودند گران غیر قابل تصور مایحتاج عمومی در سال جدید را ضمن مطالبه با حقوق و مزایا ناچیزی که دریافت می دارند تشریح کردند. طبق اطلاع رسیده این اعتصاب در روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه با توافق و قول مساعد کارفرمایان پایان یافته است. این موفقیت روحیه تشریک ساعی و مبارز جوی را در کارگران به نفع و ششمیری تقویت کرده است.

اعتصاب کارگران جنرال موتورز

کارگران نارخانه جنرال موتورز - واقع در جاده کسار - که یکی از واحدهای بزرگ صنعتی است از روز ۲۴ اردیبهشت ماه گذشته اعتصابی را از بدتی بهر آغاز کرده بودند و وارد مرحله تازه ای کردند. آن امدت ها بود که برای افزایش دستمزدهای خود دست به یک کم کاری عده ای آشکار زدند و به این ترتیب که در نارخانه و پای ماشین ها حاضر می شدند اما وقت تلف می کردند و به اندازه مختلف محصول کار را باقیمان می آوردند. کارگران می گفتند در شرایطی که قیمت ها روز به روز سیر صعودی می یابند و هزینه اجاره زندگی با آفتک غیر منطقی و بیرون آوری بالا می رود دستمزدهای ناچیز اما قادر به تامین مایحتاج اولیه زندگی نتواند ایمان نیست. کارگران تقاضای ۵۰ درصد اضافه دستمزدها داشتند. ما آنچه باعث شد که از روز ۱۴ اردیبهشت ماه کارگران حالت نیمه اعتصابی خود را تبدیل به يك اعتصاب کامل و تمام عیار کنند و حتی از ایستادن در این ماشین ها سر باز زدند و رفتاری بود که رئیس - نایب نارخانه نسبت به یکی از کارگران اعتصابی پیش گرفت. رئیس نارخانه جنرال موتورز يك سرخا ارتشسی است. او به اشکال مختلف کارگران را می آزارد. مثلا به یکی پیش از این شناخته ای به کارگران اعتصابی که حرکتی گویا چند دقیقه دیرتر از وقت عقرو در سوار خود حاضر شود تمام

اعتصاب کارگران گشتارخانه تهران

در روز ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۰۰ نفر از کارگران گشتارخانه تهران که در قسمت ناو کشتی گشتارگاه کاری کنند دست از کار کشیدند و اعلام داشتند تا به وضع حقوقی آن ها رسیدگی نشود گشتارخانه را ترک کرد. کارگران اعلام داشتند که تعداد زیادی از آن ها با آن که بیش از ۵۰ سال سابقه کار در گشتارگاه تهران دارند هنوز روزانه ۳۰ تومان حقوق می گیرند و هیچ گونه امکان ندارند و در نتیجه اثر دیگر نتوانند کار کنند و با مرک به سراغ شان نباید وزن و بچه تا آن ها سرگردان می شوند و باید از کمرسنی بچیرند. بسیاری از این کارگران در قسمت دلفنی و پوست گنی کاری کنند. هنوز از نتیجه اعتصاب این کارگران اطلاعی

اعتصاب کارکنان چاپخانه مجله تاشا

در نیمه اول خرداد ماه ۵۶ کارگران و کارمندان چاپخانه و مجله تاشا (وابسته به تلویزیون) دست به اعتصاب زدند. علت اعتصاب شورا به علت دست کار به پایان بودن دستمزد و او بهینه نبودن کارکنان بود. آن بنا از ساعت ۸ صبح تا ۹ شب یکسره کار می‌کنند و دستمزد ثابت بسیار اندک است و کفاف مخارج زندگی آن بنا را نمی‌دهد و تازه پیمان دستمزد اندک نیز به موقع به آن بنا پرداخت نمی‌شود. اعتصاب چند روز طول کشید و با پیروزی اعتصاب‌کنندگان پایان یافت. کارکنان موفق شدند که در عهد اضافه حقیقی به دست آورند و زمان کار را تا حدی کاهش دهند و باز پیمان کار اضافی اضافه حقیقی دریافت دارند.

اعتصاب و تظاهرات کارگران شهرداری در فصول

در حدود ۵۰ نفر از کارگران و رفته‌گان شهرداری در فصول در نیمه خرداد ماه به عنوان اعتراض به تاخیر پرداخت اضافه حقوق و مزایای خود و نیز توجه دادن اولیای امور به وضع ناسالم و رقت انگیز زندگی خود دست به تظاهرات زدند. آن بنا در مقابل شهرداری اعتراض کردند و فریاد زنان از شریک‌ها و نمایندگان که در برابر دستمزد قطعی به آن بنا تحصیل شده و کلیه و ابراهیمی زاری کردند. اما این ابتذال صالمت جوانان با دخالت پلیس متشنج شد و پلیس با خشونت همیشگی خویش کارگران و رفته‌گان را که جزا غبار در آید و سایل خود گنا دیگری نداشته متفرق کرد. در جریان این تظاهرات تعدادی از شیشه های ساختمان شهرداری شکست. رفته‌گان و کارگران از این حادثه آموختند که اگر از سلامت آمیز سایل در زندان و زندگیشان در جامه ای که اختتام آریامه‌ری بر آن حاکم است پاسخی جز سرنیزه ندارند.

کارگران برای دریافت سود ویژه مبارزه می‌کنند

بعد از بر دوشنبه ۳۰ خرداد برای رسیدگی به وضع و شکایت کارگران چاپخانه ای تهران جلسه ای با شرکت نمایندگان ۱۲ هزار کارگر چاپخانه نمایندگان سازمان کارگران که همیشه طرفدار حقوق کارفرمایان است و به اصطلاح نمایندگان کارگران ایران در مجلس شورای ملی تشکیل شد. این جلسه به سرعت تبدیل به تیرپوشی برای بیاب شریک‌ها و دشوار کار در چاپخانه ها شد و سرانجام گفتگوها به قرارداد سود ویژه کشید که تمام کارفرمایان به استناد گفته های شاه که اصلاح

در دست نیست، ولی این اعتراض آن بنا با کمیاب شدن گوشت گاو در شهر تاشا اساس شد و اکثر مشتری تاشا در مغازه های گوشت گاو فروشی با پاسخ منفی روبرو می‌شدند پس از این وجود از تصاب آن بنا از اجرای اعتصاب کارگران کمتر گاه مطلع می‌شدند.

اعتراض نمایندگان کارگران

جلسه ماهانه هیأت سندی کارگران و اتحادیه های کارگری تهران با حضور مسئولان سازمان کارگران ایران در دوشنبه دوم خرداد ماه تشکیل شده بود تا به مشکلات کارگران رسیدگی شود. این جلسه به جلسه ضاحره کارگران به مسئولان سازمان کارگران و به اصطلاح نمایندگان کارگران در مجلس شورای ملی بر سر دستمزد و افزایش رسمی حداقل آن تبدیل شد. در این جلسه کارگران ضمن اعتراض به به اصطلاح نمایندگان شان در مجلس شورای ملی اظهار داشتند که بر اساس حداقل دستمزد که اخیرا اعلام شده است حداقل اکثر پولی که به کارگران حقوق می‌گیرد اگر آن بنا هزار تومان در ماه بگیرند ۵۰۰ تومان است و از هزار تومان به بالا ۳۰۰ تومان تعیین آن بنا می‌شود. در حالی که همه می‌دانند افزایش قیمت ابتدایی تیرماه به محتاج عمومی در ماه های اخیر به مراتب بیشتر از این مبلغ است. کارگران اعتراض با اشاره به این که با دستمزد و افزایش اخیر آن درگز نمی‌توانند یک ماه زندگی ضرور بچرانند و آن بنا که به عنوان نماینده کارگران به مجلس راه یافته اند درگز وضع کارگران را در مجلس راه ای و تشویع نمی‌کنند و دفاع از حقوق کارگران را فراموش کرده اند و وضع رقت انگیز و محرومیت اکثریت کارگران را تشویع کردند. در حالی که این جلسه می‌رفت تا کاملا متشنج شود رئیس سازمان کارگران ایران پشت میکروفون رفت و اعلام داشت که من و نمایندگان مجلس زیر نظر شاه انتخاب شدیم. در این لحظه چند نفر از کارگران زبان به اعتراض آشودند که به این ترتیب کارگران در انتخاب نماینده خود چه نقشی داشته اند یا باید داشته باشند؟ هیچ جوابی به این سوال داده نشد و جلسه در حالی که کاملا متشنج و آشوب زده بود و نمایندگان اتحادیه ها و سندی کارگران با یکدیگر بر سر مشکلات ناشی از تیرپوشی بیشتر از بی وزارت کار و بعد از روزی کار آمدن آژین ساواکی به طرف کارفرمایان بحث می‌کردند. ادانه گفتگوها به جلسه بعد موکل شد. تعدادی از نمایندگان اتحادیه ها و سندی کارگران که از زیر بار ساواک و پایداتی کارفرمایان کاری‌کنند و نقشی دو تانه دارند اما شمار زندگی در مسان های اخیر بلات شده است تا آژین از اینان نیز لیبه شکوه بکشایند و زوزه اعتراض برودند.

گذشته همواره سود ویژه را نرفته اید در حالی که سود ویژه کارگران این کارخانه بین ۴ تا ۸ هزار تومان در سال است. جمله دیگری که کارگران را متعجب کرده این است که کارفرما در لیست حقوقی کارگران بالای ۶۰ و ۷۰ تومان نوشته بود سود ویژه و کارگران با توجه این جمله نشده اند و یا پال کرده اند که این پول علی الحساب پرداخت می شود. این احتساب کم کاری همچنان ادامه دارد.

اعتصاب کارگران کارخانه پلاستیک کسار

اعتصاب کارگران کارخانه پلاستیک کسار نیز با موفقیت پایان یافت این اعتصاب ۱۰ روز ادامه داشت و کارگران در سخت ترین شرایط اعتصاب را نشکستند. در اولین روز اعتصاب به کمی حقوق زدند و پرداخت سود ویژه هر سرنخی که مسئول حفاظت کارخانه است کارگران را تهدید به اخراج کرد و اعلام داشت که کارگران معتقد به ساوات معرفی می شوند. کارگران که از شرایط ناخوشایند و بیوزنی که متفرق در ریز و بچه های شان دست خستگین بودند به این سرنخ حمله کردند و او را پس از زدن کتک مطلق از در کارخانه بیرون انداختند و اصدای بلند اعلام داشتند که کارخانه جای نمی است که باز پیش را به کار گرفته است نه در وجه و قدرت بیسی آنرا. کارگران در کارخانه را بستند و دست از کار کشیدند. بلافاصله کارخانه به محاصره درآمد و کارگران از بیم دستگیر شدن از کارخانه بیرون نیامدند. این اعتصاب ۱۰ روز ادامه یافت و در تمام این مدت زن و بچه کارگران که سختگران و بیخ آن بودند اطراف کارخانه جمع شده و نان و پنیر و حلوا را که همراه آورده بودند لای نان پیچیده به داخل کارخانه پرت می کردند تا بذر و شوهر و فرزندشان به این وسیله سد جوع کنند. این شرایط دشوار را کارگران به طور یکپارچه تحمل کردند تا سرانجام نمایندگان کارگران با کارفرما ملاقات کردند و پس از توافق بر سر افزایش دستمزدها سالانه اعتصاب با پیروزی کارگران پایان یافت و کارگران در حالی که ریش و پایشان بلند شده بود و صورتشان از آفتاب سوخته بود از در کارخانه بیرون آمدند و به آغوش زن و فرزند و مادرشان که بیرون کارخانه انتظارشان را می کشیدند بازگشتند.

اعتصاب کارگران پتروشیمی شیراز

از اواخر مرداد ماه کارگران کارخانه پتروشیمی شیراز که یکی از واحدهای بزرگ صنعتی و کارگری ایران است دست به اعتصاب زدند. در نتیجه کارخانه به حال نیمه تعطیل درآمد و به آهوی گنازندی پیشین بازر به تامین آمونیاک مورد نیاز کارخانه های مختلف سازی کشور نیست. ظاهراً قصد پیکار کارخانه به پیوند در مرداد ۱۷

داشته است از واحد سود ندارد نباید سود ویژه هم پرداخت کند نمی توانند این روزها دست ساله را به کارگران بدهند. تا کنون در چند روز گذشته بزرگترین مقدار پول به عنوان سود ویژه به کارگران پرداخت شده است اما قرارداد قانونی آن امضاء نشده و این هم در مورد کارگران کارخانه پتروشیمی شیراز هم پرداخت نشود. کارگران تمام راه مطالبه با دستاورد هم شد کارگری شاه را در مبارزه بگیر و مشکلی یافته اند. مثلاً چند صد کارگر از این بزرگترین هم روزها از مدت ها پیش به دلیل بسته شدن قرارداد سود ویژه نوی اعتبار را با سازمان داده اند و با کم کاری کارگران را اجاز کرده اند. کارگران هم علی رفته اند و به تبعیت از کارفرمایان تا وصول به موفقیت کامل. به این اعتصاب اعتراض آمیز ادامه دهند.

اعتصاب پیروز زند کسار کسار روزنامه انزلی

به دنبال جلسه ای که دو هفته پیش در اد برای رسیدگی به وضع کارگران این خانه های تهران تشکیل شده بود کارگران روزنامه انزلی اعلام کرده اند که در اد و غیره و غیره است پس از وسایط کم کاری کردند تا کارفرما را قانع نگردد است اینها گفتند. خواسته کارگران این خانه دستمزدها سالانه بود که کارفرما از زیر بار آن شانه خالی می کرد و به این جهت پرداخت آن را به تعویق می بردند. به دنبال این کم کاری همسوار شد صبح روز ۱۰ مرداد جلسه ای با حضور نمایندگان کارگران و کارفرما تشکیل شد اما این جلسه هم به نتیجه نرسید و در نتیجه کارگران برای مدتی دست از کار کشیدند. به دنبال این اعتصاب در حالی که پاریس در خانه ای انزلی ساعت و پنج چاپ روزنامه نیز بند است می به تاخیر افتاده بود نمایندگان سازمان کار نمایندگان کارگران با کارفرما جلسه مشترک تشکیل دادند و کارفرما به ناچار به خواسته کارگران تون کرد و نمایندگان کارگران و همکاران پیروز مرداد خانه حقوقی را به دلیل واحد از کار بردند و این مطالبه کارگران را تهرین گفتند. اکنون در این روزنامه صحبت بر تهرین مطالبه حقوقی بر مبنای ۱۲۰ تومان است.

اعتصاب در کارخانه پتروشیمی

کارگران کارخانه پتروشیمی شیراز برای اعتراض به عدم پرداخت سود ویژه سالانه خود نوی اعتصاب کم کاری را سازمان داده اند که مدت است ادامه دارد. کارفرما این کارخانه در سال گذشته ۶۰ تا ۷۰ تومان در لیست حقوقی کارگران منظور کرده و پرداخت به است و الا که کارگران در خواست پرداخت سود ویژه سالانه خود را دارند اعلام داشته است

در دانشگاه‌ها چه میگذرد؟

اعتصاب در دانشگاه شیراز

در هفته سوم اسفند ماه گذشته دانشجویان دانشگاه کشاورزی شیراز دست به اعتصاب گسترده‌ای زدند. انگیزه اصلی اعتصاب دستگیری بودند تن از دانشجویان همین دانشکده توسط اعیان ساواک بوده است. به دنبال اعتصاب ساواک عدای از دانشجویان را بازداشت کرد. در همین اعتصاب تراکت‌های افشاگرانه در میان دانشجویان پخش شده بود.

تهاجم پلیس به دانشجویان

روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه گذشته پلیس به ناگهانی به خوابگاه دختران دانشکده شیراز حمله برد و پس از اخراج دختران صبحانه را بپا زد و دانشگاه تبدیل گردید. این یورش ناگهانی منوط آسا که مانند همیشه با توهمین و اعمال و تاحات آمیز و خشونت همراه بود به دنبال اعتراض و اعتصاب دانشجویان ادبیات در پشتهای از دانشجویان دیگر به ویژه دانشجویان کشاورزی که از دستا پیش در حال اعتصاب بودند صورت گرفت. دانشکده کشاورزی در این تظاهرات و اعتراضات دانشجویان منحل شد و است و اینک دانشجویان بلا تکلیف و استار گشایش دانشکده خود هستند. اعمال و دسرانه پلیس شاه و ساواک در تعقیب و بازداشت دانشجویان و تساهیل دانشکده ها خشمنازجا شد و دانشجویان را برانگیخته است.

دانشجویان علیه رژیم اعتراض می‌کنند

در نخستین روز از اردیبهشت ماه دانشجویان دانشکده فنی و دانشکده پزشکی دانشگاه تهران به عنوان اعتراض به شرایط خفقان آور ایران و رفتار پلیس، ساواک و سر دانشگاه تهران و همچنین اعتراض به محاکمه از پیش سائنای برای عوامفریبی به اصلاح به ابر عطفی ترتیب داده بودند و دست به تظاهرات گسترده‌ای زدند و با دادن شعارهای مهینی از دانشگاه بیرون رفتند. این اعتصاب و اعتراضها

توجه به تجربیات گذشته دانشجویان از اعتصابهاکمه همیشه با حمله گارد دانشگاه و دستگیری و مرگ عده ای از دانشجویان همراه است به صورت پراکنده و در زمانی کوتاه انجام شد و دانشجویان معتزلی به سر و در اطراف دانشگاه حرکت کردند و پس از دادن شعارهای خندورم دانشگاه را ترک کردند. در همین روزها دانشجویان پلی تکنیک تهران نیز با همین روش نسبت به شرایط خفقان آور در ایران اعتراض کردند.

آوازه‌های حماسی عاشق‌های آذربایجانی

مردم از روسیه ای برای ابراز ناراحتی خود و افشای این رژیم یوسید ده دیکتاتوری و فارتگر و دعوت یکدیگر به اتحاد و مبارزه استفاده می‌کنند. این وسایل چه طنی باشد چه مخفی یا نیمه مخفی فرقی نمی‌کند. مردم صدای دل و آمال خود را به اشکال مختلف نشان می‌دهند. یکی از این جلوه ها برنامه عاشق‌های آذربایجانی است که در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۸ و ۱۹ مردادماه در دانشکده علم و صنعت برنامه ای اجرا کردند و استقبال شدید و هیجان انگیزی روبرو شدند. برنامه ای که توسط آنان اجرا شد آهنگ‌هایی بود که نمونه انقلابی داشت و مردم راه مبارزه دعوت می‌کرد. این برنامه شامل قسمت ایی از اپرای کورافلی و اشعاری از صد و هفتاد شاعر بزرگ آذربایجانی بود. در این برنامه و خواننده و نوازنده به نام عاشق باشایر و عاشق عبدالملی نوری شرکت داشتند که عاشق نوری در حین اجرای برنامه شمارتایی از این قبل که با صد یکر باشید اتحاد داشته باشید عاشق با خلق خود زنده است و با ترانه‌هایی را برای خاطر دوستانی که در میان مانیتند و به خاطر دست‌های مینه بسته گلرگران اجرا کرد. عاشق مذکور در ترانه ای به نام ارس گفت: من هر فرمایم زم وهراسی از مرگ ندارم و... و ارس تو ندانستی که رفیق ما را کشتی (اشاره به مرگ صمد بهرنکی) یا هر دشمن هر چه کوتاهتر شود. یاران همه با خمیزید... این عاشق ها در روزهای ۱۸ و ۱۹ مردادماه نیز در دانشگاه صنعتی را مهر برنامه اجرا کردند. در هر روز اجرای برنامه در حدود ۱۰۰۰ نفر تماشاگر در سالن حضور داشتند و در روز پنجشنبه ۱۹ مرداد به علت کثرت تماشاگران برنامه در فضای آزاد دانشکده علم و صنعت برای بیش از ۲۰۰۰ نفر اجرا کردید. جوانان و دانشگانیان با آواز ای حماسی و دعوت به مبارزه عاشق‌ها شور مهین پرستی و انزجار خود را از شرایط ایران شاه زده به وضوح نشان دادند.

مردم ایران!

بخاطر دفاع از زندانیان سیاسی در برابر دوشیمان شاه

مبارزه کنید!

جنبش ۱۰ و مسائل کارگری

از کار افتاد است. از نتیجه اعتصاب بی‌بردی دست نیست.

اعتصاب کارگران شهرداری ها

هزاران کارگر سازمان های مختلف شهرداری ها به علت قطع البته و کت مسیبه سالانه خود به دست خشمگین اند و به انحاء مختلف به شهرداری اعتراض کرده اند. بنابه یک سنت دیرینه شهرداری که طی زبان به صورت حقوق حقه و مزایای مستمر کارگران و معشکن شهرداری نادرآمده بود همسال دو دست لباس بر دو پشت کفش به کارگران داده می شد. اما اصالت ناگهان به این پدیده که شهرداری ها کمبود بودجه و افزایش هزینه روزمره و پرسنل خود برسر است و این بیبود قطع شد و به جای آن تنها یک روپوش کار در اختیار کارگران گذاشته شد. این اقدام خودسرانه

کارگران شهرداری را که از کترین حقوق و مزایای شغلی برخوردارند و از زحماتش ترین رنجبران کشور ما هستند و اکثر آن امروزانه حداقل ۱۲ ساعت به کار و اضافه کارهای سرگرم اند به اعتصاب فزاینده واداشته است. یک کارگر شهرداری ها سابقه ۱۰ سال کار مستمر حد اکثر ۱۰۰۰ تومان حقوق و مزایای ماهانه دریافت می دارد.

در کارخانه کسرو سازی شاهی حقوق کارگران را ایصال میکنند

در کارخانه کسرو سازی شاهی که در اختیار وزارت است و محصولات آن نیز به وزارت راه تصاری دارد هایتد این ترین حقوقی کارگران نیز به شریانه نقره می شود. رهبر کارخانه سرشناسی است به نام روشن که در خ شونت و وفاتیت شهرواست. دستباز کارگران بین ۵ تا ۲۰ تومان است. با کوچکترین بهانه ای کارگران را اخراج می کنند. کارگران بیخوف هستند و برای این که مشول قانون بهیمنشوند بیش از بیایان سه ماه کارگران را اخراج میکنند و کارگران تا زمانی از صاف طویل کارگران بیکاری که هرروز در طلبکار در جلوی در کارخانه به انتظار میایستند و برای مدت کمتر از سه ماه استند امی کنند.

باز هم يك توله

در هفته های اخیر ساواک اعلامیه ای با امضای "انجمن اسلامی دانشگاه تهران" پخش کرده است و در آن هشدار داده است که گرایش های کومنیستی باید پرهیز شود. جالب این جاست که تاکنون چنین چیزی وجود نداشته و هیچ دانشجویی با چنین نامی آشنا نیست و خطا اعلامیه در سطحی وسیع در دانشگاه پخش شده است و همین در میان دانشگاه ای با مامور گاردی با نصب آن حاوی تابلوها و درهای دانشگاه تا مخالفت ندارد. این عمل همزمان با پخش اعلامیه های متعدد برای پیوستن به حزب توده ایران به مطابقتها حزب واقعا انقلابی ایران و پخش نشریات حزب توده در سالی وسیع رقم سابقه صورت می گیرد.

سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) که عمدتاً در زمینه وسیله سرکوب خلقی از طرف ارتجاع و امپریالیسم است، باید ضحک کرده و حال جنایتکاران مجازات شود

دانشگاه ها چه می گذرد

تشنه دیدن شفقسان

شدت تشنگان در دانشگاه ها آنها کمتر دای یافتن است. خبر می رسد که در کتابخانه این دانشگاه اصفهان مأموران شناختن شد ساواک بالای سر دانشجویان می ایستند و هر کتاب خواندن آن ها نظارت می کنند و حتی گاهی کتاب را از دست دانشجویان گرفته و آن را واری می کنند. این اعمال استثنائی خشم و انتزاع دانشجویان را برانگیخته است.

خطر زندان دانشجویان را تهدید می کند

با آغاز تظاهرات ایلام تا بدست دانشگاه های جهان و بازگشت موقت دانشجویان ایرانی مقیم خارج به وطن برای دیدن پدر و مادر و اقوامشان مساوات در فرودگاه مهرآباد برای دستگیری دانشجویان تد ارا رسیده است. در قسمت های مختلف فرودگاه مأموران ساواک آنچه به دست سهرت دانشجویان را با عجز می این که در دست دارند تبلیغ می دهند و با کوچکترین سوء ظن آن را دستگیر می کنند. در ایام آلبوم عکس هایی جمع شده که ساواک در کشور های دیگر از دانشجویان مخالف رژیم گرفته است.

از گوشه و کنار کشور

حوادثی که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

اعتصاب کارمندان دارایی

در اوایل اردیبهشت ماه همین ادارات دارایی وزارت امور اقتصادی و دارایی به عنوان اعتراض به کمی حقوق خود دست از کار کشیدند. اعتصاب ابتدا از حوزه های مالیاتی غرب تهران شروع شد و پس از چند ساعت تمام حوزه های مالیاتی تهران را فراگرفت. این کارمندان معتقد بودند که افزایش غیر قابل تصور مالیات ها مردم به ما بد بین شده اند و گمان می کنند که احتمالاً ما این پول ها را به جیب می زنیم مگر حالی که با این گزافی اوقات تفریح ما روز به روز بدتر می شود. اعتصاب حدود ۲۸ روز طول کشید و بدین نحو بود که آن ها در محل کار خود حاضر می شدند اما کاری نمی کردند به مراجع می گفتند که مادر جان اعتصاب هستیم. ما مهران ساواک هستیم از کارمندان ترا انتشار کرده مورد تهدید قرار دادند و حتی عده زیادی از کارمندان را دستگیر کردند. کارمندان اعتصابی می گفتند که تنها واسطه ما تا همین سکن و برای ما خانواده مان است. به دنبال سیاست ارتاب و بازداشت به نتیجه نرسید و وزیر اقتصاد و دارایی (انصاری) قول مساعد داد که به خواست های آن ها توجه شود و در نتیجه اعتصاب در چهارم خرداد پایان یافت.

اعتصاب کارکنان شرکت بیمه و بانک بیمه ایران

بیش از سه هزار نفر از کارمندان و کارکنان شرکت سهامی بیمه ایران و بانک بیمه ایران از ساعت ۸ صبح دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه به عنوان اعتراض به حقوق کم خود و افزایش سرسام آور هزینه زندگی دست از کار کشیدند و به اعتصاب نشستند در ادارات مختلف این شرکت و بانک دست زدند. کارمندان و کارکنان اعتصابی از قبل از بیدار شدن با حقوق کرده بودند اما شرکت و بانک بیمه ایران بهر از هفته نا حده و سر تنم آوردن آن ها در اردیبهشت ماه ابتلا به اعتصاب با ۱۴ مردمانه متوجه و اوقات شده است که پس از تصویب در هیات مدیره پرداخت می شود. کارمندان و کارکنان بانک و شرکت بیمه ایران با اعتصاب این رابطه است که هزینه زندگی فقط در پانزدهم و نه به که از سال جدید می گذرد آن نشان

افزایش یافته که هر آن ها را زیر بار خود خم کرده است. اضافه حقوق کردند و چون با مخالفت روبرو شد دست از کار کشیدند. شرکت و بانک بیمه ایران که با سرمایه خصوصی اداره می شود همسال صلحین بنا توان سود به جیب سرمایه گذاران آن می ریزد و از حمایت کامل دولت برخوردار است و همین مسئله یکی از دلایل کارکنان و کارمندان اعتصابی برای اضافه حقوق بوده است. زیرا هر روز شاهد سود سرسام آور و افزایش سرمایه گردانندگان بانک و شرکت بیمه ایران هستیم. حقوق اکثریت کارکنان و کارمندان شرکت بیمه و بانک بیمه ایران بین ۱۷۵۰ تا دو هزار تومان است. در اولین ساعات اعتصاب کارکنان و کارمندان شرکت و بانک بیمه ایران صد ها متقاضی که برای انجام کارهای خود به این دو محل مراجعه کردند متوجه اعتصاب شدند و ضمن اعتراض به اعتصاب این افزایش سرسام آور هزینه زندگی را تأیید کردند. شدلی مراجعین با کارکنان و کارمندان اعتصابی آن چنان وسیع بود که به دستور ساواک و گردانندگان و سپاهداران بزرگ شرکت و بانک از داخل شدن مراجعین به ساختمان های بانک در خیابان سعدی و شرکت بیمه در خیابان ایران شهربان ابرج و شعبه مرکزی و مابعد دولت جلوگیری کردند تا از گسترش اعتراضی و پوشش اخبار مربوط به آن جلوگیری شود. سرانجام مسئولین مجبور به کنار آمدن با اعتصاب کنندگان می شوند همان روز دستور پرداخت ۵۰۰ تا ۶۰۰ تومان به عنوان علی الحساب به کارمندان صادر می شود و قول داده می شود که حقوق ها تا حد قابل توجهی بالا رود. کامیابی این اعتصاب به واسطه سازماندهی خوب آن به دست آمد و روحیه مبارزه جوانان کارمندان را تقویت کرد.

اعتصاب غذا به خاطر آب

چندی پیش چندین مرکز استان کردستان مشاهده اعتصاب غذای تعدادی از اهالی شرکت تعاونی سکن وزارت بهداشت بود. این عده به عنوان اعتراض به گرانی تصاعدی قیمت آب آشامیدنی که پرداخت آن خارج از توان مردم فقر زد و بی سکن این منطقه است دست به اعتصاب غذا زدند. از سرنوشت آن ها اطلاعی در دست نیست. ساواک به شدت می کوشد تا اخبار مربوط به این اعتصاب در شهر پخش نشود.

فازنده تحصیل دانشنامه آذربایجان است. لازم به تذکر است که خود آقای عقاری که از روحانیین مبارز و توفیق خواستار است، پیش از این بازداشت شده و وقتاً در زندان ساواک به سر می برد.

مادران علییه بیدادگری

روز دوشنبه تمام اردیبهشت ماه در حدود ۲۰ نفر از مادران زندانیان سیاسی ایران به عنوان اعتراض به ستاکی و بی احترامی ای که در مورد فرزندان زندانی آن ساواک می شود در برابر اداره دادرسی ارتش (واتسج در خیابان گهر شهر) اجتماع کردند. جمیع این انبوه زندان زندیده که اکثر آن سال زده و پوسیده در چادر سیاه چهره غمزه دورا همراه با بستگان آشنا کورتگان دهنده شان برای رسوایی رژیم و دستخوار کردن دلخیز و درین دوره بار گرفته بودند مسئولان دادرسی ارتش را واداشتند تا به صورتی که موجب غضب ارتش را برآوردند و جوهر تقوی در باره راست ای آن اعتراف دارند در راس و است مادران زندانیان هزاران غمزه زندانیانی قسری داشته اند که از آن در در دو سال است که مدت محکومیتشان به پایان رسیده و هنوز آزاد نشده اند.

دیگر راست مادران مبارز بود از بیم بود شوراها ملاقات زندانیان دادن اجازه ملاقات به عنوان و برادران زندانیان که مدتی قریب به بیست سال در زندان های شهربانی قایل شده است و بیدادگرانه در دست محکومیت ای بی رویه از کتک استبدادگانه شاه مشعل نقش و نیابت بر سر زور و تحقیر و توبیخ فرزندان این سرزمین ریخته اند و بی پروا بیگانه زندانیان و مسائل دیدنی در این زمینه ...

سرگرد ارتش و به ارتش وارد تا مادران را متفرق کند و به اسرائیل برود و سر آن آشوبه باند و دنبال نشود سپاه بدرستد عموماً نشد. از میان این انبوه بان باشتان زنده ای بیدادگری به توفیق رسید که دم به دم او ج می گرفت.

سرانجام از ارتش دادستانی ارتش به مادران توفیق دادند که نسبت به تعوی در خواست آن آن ها توجیه دقیقی شود و به آزاد زندانیان. در این مورد گفته شد که تکلیف مدت محکومیت زندانیان را دادگاه های تعیین کرده اند. مادران گفتند کدام دادگاه دادگاه ای که دادگاه بیگانه باشد به آن ادب نگشوده است؟ افسران محترم! اندک دریا تا نهد بر برآورده کردن دیدار و ایستادن مادران آن بار روانه کرد.

دستگیره رو انبوهی از آزادیخواهان

امروز سرانجام مبارزین به نماز مسجد عقاری واقع در خیابان تهران توسط همان ساواک دستگیر شده است و او

ساواک فعالیت خود را تشدید می کند

لیبر سیاسی ایران برای چند روز بیشتر در تمامی سطوح و شئون جامعه زحمتکام زنجیرهای اعتقالاتی را بر او نهاده و سعی را به مرحله اجرا در آورده است. از جمله این برنامه ها افزایش فوق العاده تعداد اتومبیل های آن زمین مستقیم برای این ضابطه است. تلفات زیاد مأموران شهربانی و سایر در برخورد با گروه های دیگری که کمتر به روزنامه ها راه می یابد و حتی به نام آن ها منتشر نمی شود اما مردم در گوشه و کنار شهر روز بروز گرفته شده اند و استند و افزایش شدیدی فعالیت که گردان نمای انتقالی ایران و لیبر را واداشته است تا کلیه افراد خود را حتی پاسپان های راه نظای را با بی سیم مجهز کند و آخرین وسایل و تکنیک را به کار گیرد. فاصله بین پلیس و شش رژیم با مردم روز به روز بیشتر می شود. این مورد به چشم دشمن به نگاه می کنند و در همین حال این درین از مردم گریزی ای ساواک زندانیان بالقوه کمیته را رامیدارد که با افسران کثرتن کار در به امثالین برخورد می کنند. صلحانه حرصایه قانونی را که بپنجه می کشند و به شایبوانه ای کنند. با وجود اصرار شهربانی به جلب افسران به کمیته مکتوم افسری است که بد این کار رغبت نشان ندهد. این اگرچه و انزوا یا حتی افسران کار را به آن با کشانده که شهربانی به برای انتقال افسران خود به کمیته امتیازات و حقوق ششگیری قایل شود. از جمله ده هزارریال به حقوق نا اهن آن افسران می شود و از امتیازات بی سابقه دیگری نیز برای ارتقاء درجه و امکانات مالی برخوردار می شوند. اوضاعی در درجه داری که در چهاره با سازمان ای سیاسی و افراد مبارز کثرتن حقیقی به دست آورد و ادای ای کلان می گیرد. با این همه کمیته برای افسران و درجه داران صحت تکلیفی است که به از آن روزگردانند. نقش و انتقال افسران و مأموران شهربانی از ششگان ا به تهران و نقاط دیگر در شرایط معمولی بسیار دشوار است. اما از افسر یا مأموری که دست در کمیته ساواک را بپذیرد بیژ تا جمله به حدی مورد تقاضای انتقال می یابد و در بخش امنیتی آن با مشغول کاری شود. این شدت نیاز ساواک و شهربانی را به افراد جدید می رساند و نشان می دهد که کمتر افسر یا مأموری در شرایط خوبی قادر به سخت پذیرش بیستی در ساواک و کمیته می شود.

تصرف مخالفان ادامه دارد

اخیرا یکی از افسران شهرستانی که جانور نشده است به طرف جوانی که ظاهرا فعالیت های دیگری داشته تصرف اندازی کند مسخات مورد تعقیب قرار گرفته است. این افسر پس از تعقیب "پیریک" مورد نظر خود راه او رساند میقه این راهی گیرد و سپرد دیگر ماموران سر می رسند و او را که سلا عسی همراه نداشته دستگیر می کنند. اکنون افسر مزبور به این دلیل مسخات تعقیب است که چرا به "پیریک" نزدیک شده و او را قبل از آن که به هم برسند با کوله نژده است. ظاهرا قبلا به شناختن این مردین مورد پناخ شده است که در فرستادگی را با تیر بزنند حتی اگر صلح نباشد تا بعدا در مورد او تحقیق شود. از جمله دلایلی که برای این عمل عنوان گردماند این است که اگر اخیانا "پیریک" تیراندازی کند و افسری بمورد می گویند شهرستانی تصرف است و علمیه ماموران تبلیغ می شود و ضمن آن که لزومی ندارد در روز تیر تعداد زندانیان افزود شود مخصوصا حالا که تحت فشار عوامل داخلی و خارجی مشکلی معدود شده و شخصیت دستگیر شده را نیست. ابلاتت را فاش کند.

جهانی با ایران برای دیدار از زندان های ایران وقت و گو با زندانیان رژیم دست به میله زنی و کشتی می زند. قبلا - زندانیان زندان های مختلف بصر را گاه می کنند که هیات صلیب سرخ به زندان قصر و واحد آمد و به زندانیان توصیه می نمایند که برای حفظ آبروی ایران از واقعات مربوط به شکنجه و بد رفتاری با زندانیان و موقلاتی از این قبیل با این هیات سخن نگویند. چند روز بعد یک هیات خارجی وارد زندان تصرفی شود و به عنوان نمایندگان صلیب سرخ جهانی با زندانیان گفت و گو می کند. زندانیان قصر نیز عجزه از فبایع و جناحیات رژیم می دانستند و شاهد آن بودند برای این هیات بازگو می کنند. دوسه روز پس از دیدار هیئت گدایی ماموران شهرستانی و ساواک به زندان ها می ریزند و زندانیانی را که واقعات زندان را برای هیات خارجی فاش کرده بودند احضار می کنند و به آن ها می گویند هیات مزبور نمایندگان صلیب سرخ نبودند بلکه عامل آن ها بود نفوس برای این که میزان "صداقت" و "مهمین پرستی" آن ها را روشن کنند با قیافه های مهمل به دیدار آن ها آمده و با آن ها صحبت کرد ماند. آنگاه تمام آن ها را که واقعات شوم و جنایت آمیز رفتار رژیم را با هیات گدایی در میان گذاشته بودند به باد کتک مفضل می گیرند و بعد های از آن ها را نیز به زندان های انفرادی منتقل می سازند. این نیزنگ بازی بی سابقه رژیم زندانیان را سفت تحقیر و شکستین کرد.

اعتصاب غذا در زندان تصرف

در چند روز خوردن ماه در زندان های سیاسی شماره ۳ و قصر اعتصاب غذا در حکانوی صدخانه ای شروع شده که روز به لول انجامید. زندانیان سیاسی پس از تذکرات متعدد که برای بهبود وضع غذا و زندان آن دیگ قابل تحمل نبود به مسئولان دادند که برای اعتصاب نندیدند. آن ها از اعتصاب غذا به عنوان آخرین حربه برای واداشتن زندانیان به توجه به خراست های شان استفاده کردند و ضمن این خواست مطرح کردند که باید در گروای ملاقات فرسای تابستان به آن ها اجازه دهند از پنجهال استفاده کنند. زندانیان همچون خواستار رفتار صلح مناسب تری از جانب زندانیان بودند. زندانیان با توجه به دیدارهایی که اخیرا نمایندگان مراجع بین المللی کردند گاه از زندان های سیاسی به عمل می آورند و نیز یکبارگی و دیگری اعتصاب کنندگان راهی جز عقب نشینی نیافتند و به بدترین در خراست زندانیان سیاسی تن در دادند. به این ترتیب اعتصاب با پیروزی پایا رسید.

اما بد رقم این تشبثات تنگن ساواک چه در تصرف و چه در زندان تا از جمله زندان این زندانیان واقعات تجاری زندان ها و شکنجه گاه های عمل شان را با هیات واتنی صلیب سرخ جهانی در میان گذاشتند.

چه عجبوم وحشیانه ای!

چندی پیش کودتای شمال خیابان نثار را خراب کردند و به حد های غللی از ساکنان این گود ها پاکوس و ترنا و جاور و جنجال و تبلیغات زیاد و از آن آبارتمان های توطی کهریتی معروف دارند. اما بقیه روی ویرانه های آلونک های خود هنوز در چادر سه سر می برند. از چند ی پیش مچند شرکت بزرگ خانه سازی که بزرگترین آن ها وابسته به شاهپور قلا مرغا است در نقاط مختلف شهر دست به ساختن آبارتمان زده اند. حالا تهر آبارتمان گرم است و کرسه ها انگار بوی خون شنید ماند! چه عجبوم وحشیانه ای! این شرکت ها که تریک به توی به دربار و کوسه های بزرگ و سیری ناپید بر مربوط اند زمین ها و خانه های زمختگان و افراد کم در آمد و تهیب دست را از آن ها می گیرند و ظاهرا عنوان می کنند که این اراضی را می خرند اما این معامله از نوع معاملات آن چنانی است که هم به زیر سر باز و سر نیز انجام می شود و هم قیمت ها یک طرفه از سوی شرکت است. تحمل می گردد.

صحنه سازی های ساواک و تاحیست مهارزان در بند

مهارزان یا آیدن هیات از جانب سازمان صلیب سرخ

بازهم تخریب سرپناه آلونک نشینان

در اوایل خرداد ماه جاری ماهوران شهر داری زنجان ۱۵۰ آلونک را در منطقه "زهرآباد" که در شمال شهر واقع است ویران کردند. آلونک نشینان با قیافه های اندوهناک و خشم و انزجار ناچار تخریب سرپناه های محقر خود به وسیله ماهوران رژیم بودند. اکثر آلونک نشینان روستائیانی هستند که به شهرها رانده شده اند و در شهرها بیولای تحمل ناپذیری به نام هزینه سکن روبروشد ماند. این آلونک ها در واقع سند نکبت های لیاقتی و بی آبرویی رژیم است که ثروت های عظیم نفتی این کشور را جنایتکارانه آتش می زند. همین آن که آنرا در راه نیازهای واقعی مملکت و وطن به کار میبندد. بعضی از آلونک نشینان زنجان که می دانستند با از دست دادن سرپناه خود دیگر در تمام این سرزمین پهنای سقوی روی سر آن ها و محصر و نوزندان شان وجود نخواهد داشت و در برابر یوزن ماهوران مقاومت کردند. زن ها گریستند و استغاثه کردند و کودکان شعیب سردادند اما این منجبه های رقت انگیز قایده ای نداشتند. آلونک نشینان باز زهر رانده شدند و زمین هایی که گفته شود به اوقاف تعلق دارد از آن ها پاره گرفته شد. در حدود هزار ساکن آلونک های ویران شده اینک در شهر زنجان سرگردان و بی خانمانند.

نفع جوی دریاگان حد و معرزی نمی شناسد

بهرچند از شهرهای حاشیه کبریاست و سال ۵۸ است ۷ هزار جمعیت آنرا علم وزیر دربار در حال مرگ شاه خاکسپار (علم سرطان خون دارد و خبر موتی جاگی است که بیشتر از چند ماه دیگر زنده نخواهد ماند) تشنگان داشته و آبرابسه رویشان بسته است. ماجرا با انتقال سرریزانه بزرگی بهره بردار آغاز شد. هدف از انتقال این سرریزانه کبیله مستور طرح وزیر دربار صورت گرفت و آمد پدر و مادر سرریزانه و بزرگان خانواده افسران و درجه داران به بهره بردار بود تا قیمت املاک و زمین دربار بالا برود. با انتقال این سرریزانه به بهره بردار آب شهرک به بسیار کم بود به دلیل این سرریزانه منتقل شد و با اسال نام است که مردم این شهر از ساعت ۹ صبح تا نیمه های شب آب ندارند و برای ترغیب یک سطل آب باید مطالب سرریزانه جمع شوند و به گروه بان تا التماس کنند. توطئه علم برای فروش زمین این بهره بردار به زمین جا خا ته نهاقت. به دستور او یکی از باغ های شهر را غاصبانه دانشگاه انحصار برداشت. از این دانشگاه تنها ناضیر عباس و کوچک ترین بهره بردار آن نیست. ولی زمین نام و انحصار یافتن باغ به دانشگاه خیالی چند صد تومان به قیمت زمین های علم افزوده است.

یک نمونه عالی از این نوع مصاطبه مدد و صد عادلانه (ل) در کود خندان فارس داد. به اهالی گود های شمال خندان فارس بارگردد که خانه هایشان را تخریب کردند و ۱۰۰ تومان به بانک بدادند تا شرکت آپارتمانی در دولت آباد در اختیارشان قرار دهد. شرایب خرید آپارتمان او و فریبی باجباری خانه های او را با اهالی آن هارا به مقاومت واداشت. یعنی آن ها می که خانه داشتند می بایستی قبایله ای خانه می در برابر تخریب شرکت بدادند و بعد از پرداخت ۱۰۰ تومان ده ماه می بایست تا می ۱۰۰ تومان به شرکت بپردازند و بقیه قیمت آپارتمان را ما آنه ششصد تومان بدادند. دیگر این که پول خانه ها را در وقت شرکت ما بخوانند به اهالی بپردازند. ابتدا الی مقاومت کردند و خواستار آن شدند که شرکت با خانه ها را در وقت شرکت ما را بپردازند تا این خانیز آپارتمان را با پول خانه بخرند. شرکت های ساختن این راه در عادلانه را قبول نکردند و برای تخریب خانه از نیرو ای ناالی که خواستند. صد ها نظامی مسلح به گود تارخند و تهدید گران اهالی را مجبور به تخلیه خانه هایشان کردند. حتی پول در زدن فرستی به اهالی ندادند که اسباب و اثاثه می نزلشان را تا بالا بپردازند. خانه ها را در هم گویند و اثاثه الی به هفتاد هزاره زیر خاک ماند. در این میان تا آن جا می که صلوات و دگر و از آزار ماندند. از تلفات جانی دیگر بزرگ نیست. این یورش وحشیانه که در چند نقطه به جنگ تمام میاری بین اهالی و امیران کشید و نمرنه بسیاری دارد. یک نمونه بارز هجوم شبانه ماهوران به شهرک شمیران نواست که شهر آن زمین تودر نوید چاپ شد و وطنی جنگ و جدال آن دهه زیادی گشته و مجروح شدند. و نیز هجوم های دیگری به زلفه های اطراف میدان شهید و بالای تهران و یلا (حاشیه اتوبان) بسیاری از این رانده شده های تمیید دست اینک در لانه های - واقعا لانه - که در حاشیه بوده قدیم شهر روی میا کرد ماند مثل کرم و جانور در شرم میولند. منظره این لانه ها در پایتخت تابشناهی و در کشوری که می خواهد به تمدن بزرگ برسد و به انگلیس و آمریکا وام می دهد و واقعا تماشا می است. صد ها آلونک در سه تقوی با مقرا و و و و و لیبی برایشده و درست مثل قوطی های بزرگ فلزی و فلزی سنگ و دیوار ای آن برای جلوگیری از نفوذ آب و سردی تا نایلین ای نگه بار میوشیده شده است. در این لانه ای بد تو از لانه هزاران زن و مرد و کودک در درمی لولند و نه بوی نه آب نه بهداشتی منظره رسماً و نه هیچ چیز دیگری که به انسان نتیجه تمدن - نه تمدن - به آن احتیاج دارد. این استادی تمدن بزرگ شاهانه!

سرنوشت کردن رژیم استبدادی شاه و وظیفه مردم مردم ایران است

کونا و وقاحت دم از خوروت مبارزه با فساد و انقلاب اخلاقی
و معنوی در جامعه می زند.

زندانی پوشهر و تعمیر افسانه‌ای شاه

در بندر پوشهر ساواک سرانجام ساختمان یک زندان عظیم است که با بتون بالا می رود. در زمان پاساژن این زندان که طعمه آن جز شریفترین زندانیان ملی می باشد. نخراند داشت شاه در پوشهر یک کاخ افسانه‌ای برای خود میسازد. نقشه این کاخ را مهندس سرداران فنی پسر خاله فرج پهلوی طراحی کرده و ناظران ساختمانی آن اسرائیلی هستند. با این که در سال آغاز عملیات ساختمانی این کاخ عظیم می گردد و هم‌زمان هنوز ساختمان در مراحل اولیه آن است. به قول یکی از مهندسان دست‌اندرکار هاین کاخ آن قدر مجهز و مدرن و بزرگ است که پایتخت استانبول شاید به عمر شاه قد نرسد. در اطراف کاخ ساختمان‌های مجللی برای رجال درباری نزدیک پادشاه و اقوام شاهیها پیش‌بینی شده است. ساختمان این قصرهای افسانه‌ای و پر تجمل در شرایطی که بحران مسکن و کمبود مصالح ساختمانی در بزرگترین شهرها و ایالت‌های مختلف جامعه به ویژه زخمکشان است، بهیچانگی می‌انتخابی کامل شاه خود پسند و خودپرست را از سایر مردم آشکارتر نشان می‌دهد.

ظاهر فیزیکی‌های مضحک

اعلی‌سفرهایی که از طرف دربار انجام می‌شود مانند سفر فرج هن‌شاه به شهرهای مختلف با نفرت و تصخر مردم روبرو می‌شود. اگر مردم دربار این سفرها هم بی تفاوت باشند مگرسانی که همراه مثلا شهبانورا می‌افتند و ظاهرها محلی هستند به دلیل سابقه نفرت‌انگیز که در محل دارند باعث خشم مردم می‌شود. برای نمونه در سفر عسکر شاه به فومن و ماسوله چند نفر از فوجی‌ها و ماسوله‌ای‌هایی که سال‌هاست این دو شهر را ترک کرده‌اند و به دزدی فرسوده خواری و هندی مردمی و بیاند بازی شهرت دارند هایشان را دوش به دوش همراهی می‌کردند و به عنوان اعمالی فومن خرقی آمد می‌گفتند و به اصطلاح راهنمایسی می‌کردند. این در حالی بود که به دستور شهبانوری محل ساکنین شهر حق نداشتند از خانه هایشان بیرون بیایند مگر آن‌ها که با اجازت ساواک در کنار خیابان باید برای شهبانور دست می‌زدند. ظاهر فیزیکی آن‌ها زاهد است که گاه همه را به‌خنده می‌اندازد. مثلا در رشت و فومن دو دختر چسبایی که از تهران آورده بودند به عنوان اهالی رشت و فومن به زن شاه دست‌گیری دادند و در ماسوله زنی را که ۵۰ سال پیش فومن را ترک کرده است به عنوان زن نمونه فومن به او معرفی کردند. همراه زن شاه لاشخوردایی که مردم سابه آن‌ها را با تیر می‌زنند دوش به دوش او می‌رفتند و مردم دندان‌خشم برشم می‌فشارند. در شهر رشت کنترل مردم توسط ساواک آن‌چنان وقیحانه و سرسختانه بود که حتی وکلای رشت و فومن و ماسوله هم به حریمی کساواک اطراف زن شاه کشیده بود راه نداشتند و ناپندگان فراق (لباس مخصوص پادشاه) به تن در خیابان‌های اطراف میدان بزرگ شهبانور طرف و آن طرف می‌دیدند تا بلکه راهی به میدان داشته باشند و خود را به عصر عوام‌فریب شاه نشان بدهند. ولی همه راه‌هایی که به این میدان ختم می‌شد توسط ساواک بسته شده بود و ناپندگان مانند موشی که دنبال راه گریز باشد در کوچه پس‌کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف میدان این طرف و آن طرف می‌گرفتند و رفتند مردم برایشان سوت می‌کشیدند و هوسا می‌کردند و خرابی‌های آن‌ها می‌رسید مردم فریاد می‌زدند: "وکلای دم‌دارا به بازی نمی‌گیرند".

فروش سیمان در اندک‌مدت شاه چهره‌فلا مرزا

قیمت رسمی ترکیبه سیمان ۱۲۵ ریال است اما سیمان کیسه‌ای ۵۰۰ ریال هم به سختی به دست می‌آید. شاه چهره‌فلا مرزا و ایادی او و نیز تنی چند از رجال بانفوذ پادشاه استفاده از این سیاه بازار سیمان مشروع به دوشیدن مردم و سوء استفاده‌های گوناگون کردند. به این ترتیب که دلالان شاه چهره‌فلا مرزا که بازرگانی دیگر در حفظ ظاهر هم نمی‌گوشند، با بی‌پروایی و وقاحت به مددکاران از کسانی که ساختمان‌ها و تأسیسات آن‌ها به نال و کفر سیمان و دیگر مصالح ساختمانی در نیمه‌آر متوقف مانده مجوز تحویل سیمان از کارخانجات سیمان را می‌فروشند. آن‌ها ترکیبه سیمان ۱۲۵ ریالی را ۲۵۰ تا ۳۰۰ ریال می‌فروشند و به خریداری، کوپند از وزارتخانه‌ها که کشور که بخواند می‌توانید سیمان مورد نیاز خود را تحویل بگیرید. بدینسان کارخانجات که سیمان را به تن در لنگ می‌فروشند ۱۲۵ ریال به مردم می‌فروشند و مددکاری‌ها را در دست می‌کنند و مردم از روی لاجرم به دلالان شاه چهره‌فلا مراجعه می‌کنند و به ترتیبی که آن‌ها پیشتر می‌آیند سیمان مورد نیاز خود را خریداری می‌کنند. رسوایی این سوء استفاده‌ها دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست. اما شاه و وزرا همچنان با کوس و

در راه براندازی رژیم استبدادی شاه متحد شویم!

تازه در آن جا به علت کمبود وسایل و نبودن پزشک ۹ درصد آن ها جان می سپارند . چنین است معنای بهداشت را بگمان در عصر ستا نیز آریا مهری .

حضور شاه چگونگی میان مردم می رود

در اولین روزهای نیمه دوم اردیبهشت ماه فرج ۶ حضور شاه در مدرسه طایفه ای امریکایی در ایران بازگشت کرد و در جشن پایان سال این مدرسه نیز شرکت کرد . با این که خبر این بازدید و شرکت در مراسم پایان سال تحصیلی یک مدرسه امریکایی در ایران در روزنامه های درباری انعکاس نیافت اما ساکنین منطقه ای که مدرسه در آن قرار دارد از این بازدید مطلع شدند . ماجرا از این قرار بود که چند روز قبل از بازدید همامیران ساواک برای به اصطلاح پاکسازی محله ها و خانه ها در آن مدرسه سرانگه در یکی از خیابان های فرعی خیابان فخرآباد تهران واقع است زیر و رو کردند و در باز تمام ساکنین آن ها و خانواده شان تحقیق به عمل آوردند . در همین روزها بر تعداد مأموران ساواک در این خیابان افزودند و چندین دلیکتر با ارتقاچ بسیار کم بر فراز منطقه پرواز کرده و یکسره آری کردند . سرانجام روز بازدید فرارسید و از اولین ساعات روز تعداد زیادی از مأموران ساواک در خانه های مردم را زده و بدین اجازه به پشت بام خانه ها رفتند و تعداد زیادی بونه با خود به پشت بام ها بردند تا زیر آن ها پنهان شوند . حضور آن آری بام خانه های مردم تا بعد از بازدید ادامه یافت و در تمام مدت بازدید به ساکنین اجازه خروج از خانه ها داده نشد . برای بسیاری از ساکنین منطقه که محبوس از این روی و تلویزیون شنیده بودند که ۱۴ آریا مهر شاه بی ریا میان مردم می رود و دیدن چنین صحنه هایی واقعا تعجب آری بود و برای اولین بار دیدند که حضور شاه چگونگی به میان مردم می رود .

تدریس فارسی با روش امریکایی

اخیرا تلویزیون آموزشی گروهی امریکایی را استخدام کرده و به عریضه طایفه درجه د شصت هزار تومان به اضافه کلیه مخارج زندگی پرداخت می کند . بنا به گفته فرجاد صبا مهر تلویزیون آموزشی این عده را آورده اند تا زبان فارسی را با روش امریکایی از طریق تلویزیون به دانش آموزان ایرانی آموزش دهند ! گنجه روش ها و اهدافی که در تلویزیون آموزشی انجام می شود باید زیر نظر این امریکاییان باشد . در حالی که عم اکنون در تلویزیون آموزشی ۲۸ تهیه کننده برنامه ها درجات تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس و دکتر و رشته های مختلف به کار مانده اند و در خورد امداد گذشته ۴ نفر از کارکنان تلویزیون آموزشی همراه با ۷۳۰ نفر از کارکنان واحد تولید کاتال ۷ پس از بی نتیجه ماندن مدت ها اعتراض بر حسی اعتبارشان به واسطه کمی حقوق (حد اکثر ۲۱۰۰ تومان) و دیگر شرایط ناانگار کار استعفا دادند .

فاجعه تیر و تیر

روز دوشنبه ۲۰ تیرماه تیر و تیر مشهد - تهران در ایستگاه بهرام در ۲۴ کیلومتری تهران از ریل خارج شد و آتش گرفت . روزنامه های فرمایشی گوشیدند مسئله رای امنیت و خطر جلوی دهند در حالی که اخبار رسیده حاکی از آن است که تمامی واگن های قطار سوخته و تپها واگن آخر نیم سوخته مانده و حتی یکی از شاهان همین جسد نخال شده لکوموتور را برآه چشم دیده است . مسئولان دولتی گناه را به گردن سوزنیان و متصدی ایستگاه انداخته اند اما بنا به نظر کارشناسان مسئولیت این حادثه دلخراش که نیمی از آن بهر از صد نفر کشته شده ماند ، متوجه دولت تیر و تیر راه و تیر و تیر آن مفرح خشیان است که بدو توجه به نظر کارشناسان در مورد بوسیدگی ریل و لزوم تعمیر آن ا و به رغم انتظار آن ها در مورد ایگان بروز ساخته فقط از ای جاید را بر روی همان ریل های بوسیده به کار انداختند . فاجعه تیر و تیر تهران مشهد بار دیگر سیاهی گریه و غم مردمی زمامداران جا بهر فاسد کشور را نشان داد .

مصافی بهداشت را بگمان

در فصل گرما به ویژه روزهای تحمل که عده زیادی از مردم برای استراحت در استفاده از دریا به شمال می روند و هر روز عده های در دریا قریانی می شوند . مثلا فقط در نوشهر روزی حداقل ۵ نفر غرق می شوند در حالی که نه از نجات غریق خبری نیست و نه از آمبولانس و سایر وسایل امدادی . و سبب آن است که ارتش به نجات غریق موجود را برای یژوئی - اختصاصی خوبا حقوق و مزایا بیشتر جذب می کند و در بهداشتی و بهزیستی نیز که در نین روز این به اتفاق عمرا برای استراحت به نوشهر می آید تمام اتوبوس ها و وسایل امدادی محدود به بهداشتی نوشهر را در دست اختصاصی خود و همراهانش قرار می دهند و مردم باید تفرق شدن کان با سانس و دیدگان را با هزار زحمت خود به بیمارستان چالوس برسانند که

ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری
شرط اساسی برانداختن رژیم استبداد و شاهاست

سقف و پایه های نظامی دریك ماه

۱- در نخستین هفته تیرماه يك هواپیمای ناسا (احتما فانتوم) در ۱۰ کیلومتری بندازه کوه های جهان نما از توابع کردکوی سقوط کرد و سر نشیمان آن کشته شدند .

۲- روز چهارشنبه ۸ تیرماه يك هواپیمای فانتوم بر اثر از یادگان جی در اراک تهران سقوط کرد و نلیان و کتک نلیان آن کشته شدند و هواپیمای به زمین بنزین و مراحات اصابت کرد و اند جارشده ی را پلشت شد که موجب هلاکت عده زیادی گردید .

۳- يك هواپیمای گرانمای (اف ۱۴) چندی پیش در اطراف اصفهان سقوط کرد که مانند هواپیمای شای قبلی خبر آن منتشر نشد . سرنشیمان این هواپیمای نیز کشته شدند .

سقوط و پایه های نظامی دریك ماه صرف نظر از همه عوامل فنی و غیر فنی محاکمی از گسترش بی سابقه ناسا پیگیری اضا کسبخته روی می است که توت های نمانگی کشور را با غریب ن و انبار کردن انواع و اقسام سلاح ها بر باد می دهد و ایران را به انبار خراب و خطرناک اسلحه تبدیل می کند تا بهتر بتواند نقش ژانداران امپریالیسم را در منطقه و در جهت حفاظت از منافع غارتگران خود و حاکمان اینا کند .

شوت های ملی ایران بوسیله امپریالیسم بدرینج غارت میشود و به جای آن اسلحه و کالا های رنگا رنگ به بهیانی در دم گران تر در کشور انبار میگردد
وابستگی اقتصادی جانی برای استقلال سیاسی باقی نگذاشته است . غول امپریالیسم ایران را -
بیش از پیش فرو مبلعد . در این شرایط خاموشی با همسین برستی سازگار نیست .

برای رهایی همسین مبارزه کنیم !
برای سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری شاه
محمده شهیم !

خبرهایی از نیروگاههای اتمی بوئنیر

دو نیروگاه ۱۲۰۰ مگاواتی اتمی که در ۱۲ کیلومتری بوئنیر و در ساحل خلیج بریا میشود طبق قرار داری که ایران با شرکت آلمانی کرافت وک اونین بسته است در سالها ۸۱-۱۹۸۰ به مرحله بهره برداری میرسد . قرارداد این نیروگا را شرکت آلمانی مذکور در سال ۱۹۷۶ با دولت ایران بسته است و سرخ بر میگردد به حرکت آلمانی اروپ که ماه یکی از سهامه اژا بزرگ آن است . ظاهرا مدی از اهدات این نیروگاه تا همین برای کشور است اما با توجه به اینکه ایران دارای منابع عظیم برای سرشار نفت و گاز برای تأمین برقی ارزان قیمت است میتوان دریا که مدی از احداث نیروگاه مورد بحث دست یابی رژیم شاه به سلاح اتمی است . راکور های این نیروگاه ۱۹۳ مجتمع سوخت هسته ای دارند که ۱۰۲ تن اورانیوم فنی شده را در خود جا میدهند . از جمع حدود ۷۲۰۰ نفری که در نیروگاه کار میکنند ۹۰۰ نفر آلمانی هستند که حکم کارفرما را دارند و حضورشان در شهر کوچک بوئنیر بخوبی احساس میشود . اتنوسهائی که با زبان آلمانی روی آنها شماره گذاری نوشته شده و چند روزی آنها در شهر بازار بوئنیر . حالا دیگر همه در بوئنیر میدانند که نیروگاه اتمی در ۱۲ کیلومتری شهرشان احداثی شود و جسته و گریخته چیزهایی برامین خطرات احتمالی آن شنیده اند . همه با تگرانی درباره آن صحبت میکنند اما کترکیی از کم و کثیف آن خبر دارد چرا ککوشش زیادی برای پردر پیشی و جلوگیری از انتشار در گونه خبری به عمل می آید بطوریکه حتی خود کارگرانی که در نیروگاه کار میکنند در این زمینه چیز زیادی نمی دانند . از قرار معلوم برای تسهیلات سوخته شده نیروگاه هنوز هیچ برنامه ای وجود ندارد و قرار است تمام اورانیوم سوخته عده راکه بی شک میتواند تا کیلومترها محیط اطرافی را آلود کند و زندگی مردم را بخطر اندازد ، تا ده سال انبار کنند تا بعد درباره اش تصمیم بگیرند . فعلا تمام برنامه روی تأسیس نیروگاه و دست یابی به نیروی اتمی متمرکز شده است و اندیشه حفظ محیط زیست و جان مردم را در آن جانی نیست . درباره مقدار پولی که برای تأسیس این نیروگاهها به آلمان غری پرداخت شده و میشود بندرت حرف زد میشود ولی گمانی از زبان مهندسین ایرانی شنیده میشود که ۴ / ۵ ملیارد دلار خرج تأسیس این نیروگاهها میشود تازه شرکت خود قرارداد میتواند با توجه بهتر جهانی درخواست پول اضافی هم بکند .

پیش بسوی ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری